



ایالات متحده به برگزاری اجلاس دموکراسی در داخل کشور نیاز دارد

دستور کار سیاست خارجی بایدن وابسته به تجدید نظرها در سیاست داخلی است

ترجمه

روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی

راه

مدیست

شماره ۶۷۹ • سال دهم • دوشنبه ۲۲ جدی ۱۳۹۹ • قیمت: ۲۰ افغانی • Vol.10 • No. 679 • Jan 11 2021 • Mon

madanyatdaily.com

عنوان‌های مهم

نارسایی در تامین برق:

مسئولیت گریزی شرکت برشنا

عدم رقابتی شدن تامین برق، بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی برای تولید، نبود شفافیت در خرید و فروش و عدم استانداردسازی میترها مسائلی اند که شرکت برشنا را در تامین برق بی‌کفایت نشان می‌دهد



خریداری به ۲۲۰ الی ۲۸۰ میلیون دالر در سال می‌رسد. در حال حاضر، منبع اصلی برق وارداتی کشور اوزبیکستان است و از این کشور ۴۵۰ میگاوات برق مورد نیاز خریداری می‌شود؛ اما تاکنون به دلیل نیازمندی‌های خودش، این مقدار را کاهش داده است. کاهش برق وارداتی از این کشور سبب شده که پایتخت به‌شمول هفت ولایت دیگر در تاریکی به‌سر ببرند. با این حال در پنج‌سال گذشته، تامین برق مورد نیاز مردم از اولویت‌های اساسی حکومت بود و رییس‌جمهور غنی درست در هفدهم حوت سال ۱۳۹۷ وعده داده

چندین سال است که کابل در فصل زمستان در تاریکی فرو می‌رود. علت اول آن است که افغانستان خود ظرفیت تولید انرژی برق مورد نیاز را ندارد و دیگر این که به دلیل تخریب پایه‌های برق وارداتی و یاهم رویدادهای طبیعی قطع می‌شود و یا این که کشورهای واردکننده تحت عناوین مختلف، برق خریداری شده را قطع می‌کنند. بر اساس گفته‌های وحیدالله توحیدی؛ سخنگوی برشنا، افغانستان از کشورهای تاجکستان، اوزبیکستان، ترکمنستان و ایران برق خریداری می‌کند و هزینه

۲

حکومت موقت؛ عقب‌گرد باطل

به شمول طالبان، کسانی که در دهل حکومت موقت می‌کوبند، در آن حکومت چه دیده‌اند که در نظام جمهوریت دیده نمی‌توانند؟



۲

نقش و اهمیت خانواده در کاهش جرایم



۵

دیگر خواندنی‌ها در این شماره

اداره منتخب؛ تنها راه حل

مشروعیت هر حکومت باید از خواست مردم نشأت بگیرد

۳

گناهکاری فردی_مسئولیت جمعی براساس نوشته‌های هانا آرن



زمانی که همه گناهکار باشند، هیچ‌کس گناهکار نیست. گناه، بر خلاف مسئولیت، همواره تمایزبخش است؛ گناه، امری عمیقاً شخصی است. گناه معطوف به عمل است و نه نیت‌ها و قابلیت‌ها. تنها در معنایی استعاری می‌توان گفت که ما نسبت به خطاهای پدران یا هموطنان خود یا بشریت و به طور خلاصه، نسبت به اعمالی که انجام نداده‌ایم، هر چند، بنا بر سیر وقایع، مجبور باشیم بهای آن را بپردازیم،...

۵

کاهش هزینه محافظت از رهبران سیاسی از ۴ میلیارد به ۱٫۲ میلیارد افغانی

۲

بیش از ۵۰ میلیون افغانی برای برنامه‌های انکشافی زراعتی نیمروز به مصرف رسیده است

۲

سازمان عفو بین‌الملل: علی خامنه‌یی با جان میلیون‌ها نفر بازی می‌کند

۷

تاکید آلمان به اتحاد اروپا و امریکا برای طرح مارشال دموکراسی

۷

انسان مردود

یادداشتی بر کتاب «روان درمانی اگزیتانسیال» از اروین یالوم



۶

نرخ اشتراک در روزنامه

مدت	هزینه اشتراک
یک سال	۶۰۰۰ افغانی
شش ماه	۳۰۰۰ افغانی
یک سال	۲۰۰ دالر
شش ماه	۱۰۰ دالر

مدیست
RAH-E-MADANYAT DAILY

برای دریافت تازه‌ترین خبرها، تحلیل‌ها و گفتگوها به وب‌سایت ما مراجعه کنید:

madanyatdaily.com

شرکت خدمات اینترنتی ضحاک تکنالوژی

- خدمات اینترنت از طریق بیسیم
- خدمات اینترنت از طریق کابل فایبر نوری
- خدمات اینترنت از طریق مایکروویف
- خدمات اینترنت از طریق وایست
- خدمات مکمل ای سی تی
- خدمات شبکه سازی
- خدمات دیتابیس

0786 873 535
sales@ztechisp.com
www.ztechisp.com



طی شش ماه آینده نخستین محموله واکسین کرونا وارد کشور می شود

● راه مدنیت: وزارت صحت عامه کشور اعلام کرد که تا شش ماه آینده، نخستین محموله واکسین کرونا به حمایت مالی بانک جهانی و بانک آسیایی وارد کشور می شود.

این وزارت روز یکشنبه (۲۱جدی) با نشر خبرنامه‌یی گفته که بشیر نورمل، معین پلان و پالیسی و وحید مجروح، معین عرضه خدمات صحتی وزارت صحت عامه در نشست‌ی چگونگی تهیه و تطبیق واکسین کرونا را با حضور نمایندگان ادارات مسوول مورد بحث قرار داد.

طبق معلومات این خبرنامه، در این نشست، روی تطبیق واکسین کرونا بر اساس اولویت‌بندی افراد در معرض خطر، نگهداری واکسین از طریق سیستم زنجیر سرد، استخدام یک هزار تیم برای تطبیق این واکسین، آموزش واکسیناتوران، جلوگیری از مصاب شدن کارمندان صحتی و مدیریت درست برنامه واکسین بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

این وزارت گفته که وحید مجروح، ضمن بررسی برنامه تهیه و تطبیق واکسین کرونا، به ادارات مسوول هدایت تا در راستای تطبیق این واکسین با نظرداشت معیارها، طی یک میکانیزم مشخص بیشتر تلاش نمایند.

هم‌چنان در ادامه این نشست، پلان جدید GAVI و HSS۴ و کارکردها و دست‌آورد‌های فعلی این دو پروژه به گونه مختصر ارایه گردید.

قبل از این این وزارت گفته بود که تا دو سال آینده ۴۰ درصد مردم، واکسین کرونا دریافت خواهند کرد.

به دنبال موفقیت شرکت داروسازی امریکایی فایزر در تولید واکسین کرونا، چندین شرکت با استفاده از این واکسین، روند واکسیناسیون را به صورت عمومی آغاز کرده است. تا هنوز نشانه‌یی جدی از عدم ایمنی واکسین فایزر بایونتک مشاهده نشده است.

تاکید رییس جمهوری بر تقویت حکومت‌داری الکترونیک

● راه مدنیت: محمدارشرف غنی، رییس جمهوری کشور با مسوولان شرکت G۴۲ امارات متحده عربی، دیدار و بر تقویت حکومت‌داری الکترونیک تاکید کرد.

ارگ ریاست جمهوری اعلام کرد که رییس جمهور غنی در این دیدار بر تقویت حکومت‌داری الکترونیک تاکید کرده و گفت: «دیدگاه ما این است که روی استراتژی دیجیتال‌سازی در مطابقت با نیازمندی‌های قرن ۲۱ کار کنیم.»

طبق گفته‌های ارگ، رییس جمهوری بر استفاده از سیستم دیجیتالی در سکتورهای اقتصادی، تعلیمی و صحت و سایر بخش‌ها تاکید نموده و افزوده که باید تلاش شود تا از پیشرفت‌های تکنالوژی عصر حاضر، عقب نمانیم.

وی همچنان تصریح کرد که حکومت به یک نقشه راه نیاز دارد تا بتواند در چهار سال آینده با دیجیتال‌سازی سیستم‌ها، دولت‌سازی، مارکیت‌سازی و اعمار صلح را سرعت ببخشم. همچنین ارگ علاوه کرد که در این دیدار در خصوص تقویت پالیسی‌ها و راهکارها برای دیجیتال‌سازی حکومت، ارزیابی زیربنایهای دیجیتالی و تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی و بسترسازی به‌خاطر عملی کردن این روند، بحث و تبادل نظر صورت گرفته.

این در حالی‌ست که خدمات امنیتی، مدیریت عملیاتی، خدمات زمینی، سیستم‌سازی و تکنالوژی میدان هوایی بین‌المللی کابل، هرات، بلخ و قندهار به شرکت G۴۲ امارات متحده عربی واگذار شده بود.

جان باختن شش نفر در یک حادثه ترافیکی در هرات

● ابراهیم محمدی، مسوول هرات آمبولانس گفته که در پی وقوع رویداد ترافیکی در مسیر شاهراه هرات-اسلام قلعه شش نفر جان باخته‌اند. آقای محمدی گفت که این رویداد ترافیکی حوالی ساعت ۱:۴۵ دقیقه بعد از ظهر دیروز یک‌شنبه (۲۱جدی)، در پی برخورد یک موتر تیزرفتار با یک موتر تیلر رخ داده است. او علاوه کرد که اجساد جان‌باختگان به شفخانه مرکزی مرکزی هرات منتقل شده‌اند.

شاهراه هرات – اسلام قلعه؛ از شاهراه‌های پر رفت‌وآمد و همچنان پرخطر برای مسافران است. در این شاهراه بارها حوادث ترافیکی مرگ‌بار اتفاق افتاده است.

مدنیت

گزارش

نارسانی در تامین برق: مسوولیت گریزی شرکت برشنا

عدم رقابتی شدن تامین برق، بی‌توجهی به ظرفیت‌های داخلی برای تولید، نبود شفافیت در خرید و فروش و عدم استندردسازی میترها مسایلی اند که شرکت برشنا را در تامین برق بی‌کفایت نشان می‌دهد

● سید مهدی حسینی گزارشگر

بود که تمام ولایات در مدت دوسال به یک شبکه ملی برق وصل می‌شوند و نیز طی چهار سال آینده، افغانستان به کشور صادرکننده برق مبدل خواهد شد.

● عدم پرداخت به‌موقع

انجنیر حبیب مایار، کارشناس امور انرژی به روزنامه راه مدنیت می‌گوید: این‌که در حال حاضر برق کابل و ولایات دیگر قطع شده، به احتمال زیاد، تضاد پالیسی دولت اوزبیکستان با افغانستان است که به‌خاطر منافع خود برق را کاهش داده باشد و یا هم شاید دولت نتوانسته که پول برق خریداری شده را به موقع پرداخت نماید.

به گفته این کارشناس، روحیه عمومی قراردادهای برق با کشورهای وارداتی به گونه‌یی است که هر سال تمدید می‌شود، یعنی قیمت‌ها ثابت نمی‌ماند و تقاضای کشورهای سالانه متفاوت است. همچنین عدم تلفیق تقاضا، عرضه و قیمت، پرداخت پول به موقع از طرف افغانستان و سرانجام مسایل تدارکاتی آن باعث شده که برق‌های وارداتی همه‌ساله با مشکل روبرو شود.

● منافع مافیای تیل و گاز

این‌که روحیه قراردادهای همه‌ساله تغییر می‌کند، یک امر طبیعی است و هر کشور منفعت می‌خواهد، اما در این‌جا صرف منفعت کشورها مطرح نیست، مافیای تیل و گاز نیز یک بخش مشکل است. منافع اشخاصی، منافع تصدی‌ها، منافع بازار سیاه و... همه نقش دارند. اگر همه برق ۲۴ساعته داشته باشند، کسی جزراتور خریداری نمی‌کند که تیل مصرف کند و تقاضای تیل بالا رود. حبیب مایار تاکید می‌کند کسانی‌که دولت را فند و پول دادند، تطبیق پالیسی خودشان را خواستند؛ مثلاً: بانک جهانی وقتی به‌خاطر اعمار بند برق سربوی و بند برق باغ‌دره یا بندهای دیگری‌که روی دریاهاست، پول داد، تاکید داشت که دستگاه‌های تخنیکی آن از کشورهایی که خودش تعیین می‌کند، خریداری شود.

● تاریکی در موجودیت کمک‌های جهانی

کارشناسان امور انرژی بر این باورند که جامعه جهانی پول خود را از یک‌سو به سادگی ندادند و از سوی دیگر، رهبران پیشین کشور هم با جرأت تصمیم نگرفتند. تمام پولی که در افغانستان سرازیر شد، مطابق پالیسی دوبر مصرف گردید، نه پالیسی دولت. امریکا اگر پول داد، آن را دو تقسیم نمود: کمی از این پول را در اختیار دولت قرار داد و بقیه‌اش را از طریق کمپنی‌های خود مصرف کرد و تامین انرژی برق نیز در محور کمک‌ها قرار نگرفت. به گفته مایار، تکنالوژی سولر یک پدیده جدید است که طی چند سال اخیر انکشاف کرد و می‌بایست خود را با این پدیده عیار می‌کردیم، چون تکنالوژی با انکشاف ارزان می‌شود و ما باید مطابق استندهای تعیین‌شده استفاده می‌کردیم، اما متأسفانه تکنالوژی‌های غیراستندرد وارد کشور می‌گردد.

به این معنا، دولت تکنالوژی را معیاری نکرد و در این راستا اداره‌یی به نام «نورم و استندرد» است که نتوانست معیارهای کافی بسازد و نیاز بود که این اداره معیارهایی را در خدمت کسانی که تکنالوژی وارد می‌کند، قرار می‌داد. افغانستان به استندردهایی تکیه کرد که جهانی گفته می‌شود، اما کارا نیست.

این کارشناس امور انرژی همچنان با اشاره به تطبیق قراردادهای افزود که موضوع تطبیق قرارداد و معیاری ساختن تکنالوژی عملی نشد. در عین حال، ظرفیت اعمار یک بند برق

را هم نداریم و اگر این ظرفیت وجود داشته باشد باز هم تکنالوژی آن وجود ندارد. بندهای برقی‌که وجود دارد به‌خاطر بروز کردن آن با ایران، پاکستان و هند قرارداد بسته شد، اما انجنیران آن‌ها نتوانستند در افغانستان کار کنند. یازده انجنیر این کشورها در ولایت کتر کشته شدند و یا هم مطالعات امکان‌سنجی آن به‌شکل درست انجام نشد. اکثر مطالعات غیردقیق صورت گرفته که تازگی ندارد. دولت مطالعات امکان‌سنجی را با هزینه پایین به کمپنی‌ها داد و امکان‌سنجی‌های انجام‌شده تا زمانی که تطبیق می‌شد، عملی نشد و به‌همین خاطر میلیون‌ها دالر به هدر رفت.

● برق وارداتی

کارشناسان امور انرژی می‌گویند: پالیسی دولت افغانستان طوری بود که تاسیسات برق‌رسانی ساخته شود، از جمله لین‌دوانی‌های زیادی صورت گرفته، ولی برق وجود ندارد. بسیاری از مناطق لین و پایه‌های برق دارند، اما از خود برق خبری نیست. این به عدم هماهنگی میان موجودیت، ظرفیت انرژی برق و سرانجام عمل شبکه‌رسانی برق برمی‌گردد.

حبیب مایار که سال‌های زیادی را در وزارت انرژی و آب کار کرده، تاکید می‌کند: «دولت ترکمنستان سال‌هاست به دولت افغانستان می‌گوید که برق اضافی داریم و بیاید وصل کنید. این برق در ابتدا قرار بود که از طریق پروژه «تاپی» وصل شود اما این پروژه چه شد؟ این پروژه باید وقت شروع می‌شد که تا حال نشده است. ترکمنستان چهارهزار گیگاوات برق را می‌تواند به افغانستان بدهد، اما آیا توان جذب آن وجود دارد؟ اگر تمام افغانستان کامل برق داده شود باز هم اضافی می‌کند و اضافی برق ترکمنستان قرار بود که از طریق پروژه تاپی به پاکستان فروخته شود ولی تا حالا از این مساله خبری نیست.

او با ارایه این معلومات افزود که ترکمنستان تمامی دستگاه‌های تولیدی برق را احیا کرده تا برای افغانستان تولید کند، ولی افغانستان از دریافت آن عاجز است. برق ترکمنستان تا ولایت هرات رسیده، اما همان‌جا متوقف شده.

ترکمنستان بارها از دولت افغانستان خواسته که ظرفیت لین‌های برق را بلند برید، ولی این ظرفیت به دلیل عدم موجودیت شبکه درست برق بلند برده نشده است.

مایار در مورد تولید برق تاجکستان بیان می‌کند که توربین‌های آبی این کشور شش ماه در طول سال آب ندارند و نمی‌توانند سالانه در زمستان به افغانستان برق وارد کنند. کابل صرف به اوزبیکستان متکی است. شرکت‌های برق دولت‌های افغانستان و اوزبیکستان با مذاکره قرارداد را آماده می‌کنند. یکی از شرایط قرارداد این است که پولش به‌موقع داده شود. این‌که گاهی برق به‌موقع نمی‌رسد دلیلش این است که پول آن‌ها به‌موقع داده نمی‌شود و این بزرگ‌ترین چالش است.

وی تصریح کرد که بیش‌ترین برق در زرادخانه‌های شوروی سابق تولید می‌شود. از جنراتورهای برق سیستم‌هایی که علیه آن جهاد شد استفاده می‌کنیم، البته مطابق شرایط آن‌ها. این‌جاست که دولت پول آن را داده نمی‌تواند. برق نظر به قرارداد از چهار سنت تا هشت سند دالر خریداری می‌شود. تعرفه‌ها یک‌نواخت نیست، برخوردها و تضاد کشورها باعث شده که افغانستان و به‌ویژه کابل بی‌برق بماند.

● ظرفیت‌های تولیدی

مایار همچنان به ظرفیت‌های تولیدی برق

افغانستان اشاره کرد که ظرفیت‌های بزرگ تولید برق را دارد. ظرفیت آبی، هایدروتخنیکی یا ظرفیت‌های سولری، بادی، انرژی و... اگر این ظرفیت‌ها به‌درستی مدیریت شود، می‌توان در همین شهر کابل چندین میگاوات برق تولید کرد.

«محاسباتی که فعلا وجود دارد، این است که ۲۲۰گیگاوات ظرفیت انرژی آفتابی، ۱۷گیگاوات ظرفیت بادی، البته اگر توربین‌ها نصب شود، انرژی برق تولید می‌شود. ۲۵هزار میگاوات ظرفیت هایدروتخنیکی وجود دارد که از این ظرفیت صرف ۶۶۰ میگاوات تولید داخلی داریم که شامل هایدرو، دیزل و انواع انرژی‌های دیگر می‌شود. این ظرفیت‌های تولیدی در کشور است، ولی می‌ماند کابل.» «در کابل بر اساس آمارهای جدید شش میلیون نفر زندگی می‌کند و این شش‌میلیون اگر برای هر یک آن‌ها انرژی را محاسبه کنیم، ۶۰۰ میگاوات برق ضرورت دارد، نه صنعتی؛ بل برای بخش‌های رهایشی و تجاری. از این جمله سالانه قراردادهایی که می‌شود، چون منابع داخلی کفایت نمی‌کند، صد میگاوات از بند نغلو، ۶۶ میگاوات از بند ماهی‌پر (این بر اساس فصلی است) ۱۰۵ میگاوات از دستگاه حرارتی تره‌خیل، ۲۲ میگاوات از سربوی. این بخش‌هایی از کابل است که به هیچ صورت کفایت نمی‌کند.»

● یکه‌تازی شرکت برشنا

مطابق قانون تنظیم خدمات برق، باید چندین شرکت برق ایجاد می‌شد، ولی این کار صورت نگرفت. حالا یگانه شرکت دولتی برشناست که یکه‌تازی می‌کند که اگر ضعیف است یا قوی، مردم باید آن را تحمل کنند. نیاز بود که در کنار شرکت برشنا، شرکت‌های دیگری در زمینه تولید، توزیع، عرضه و تقاضا و برای جمع‌آوری پول یا تنظیم عایدات به گونه جداگانه ایجاد می‌شد. به‌طور نمونه، در ترکیه ده شرکت برق است و هرسال برنامه‌ریزی می‌کند که تقاضا چقدر زیاد شده تا شبکه‌های برق تمدید شود، اما در افغانستان فقط یک شرکت وجود دارد. انجنیر حبیب مایار در این مورد می‌گوید یکه‌تازی و انحصار برق از سوی شرکت برشنا خلاف قانون است، اما وقتی رقیبی برای این شرکت وجود نداشته باشد، هر کاری می‌کند. «اگر ضعیف و یا قوی باشد، کسی چیزی کرده نمی‌تواند. اگر شرکت‌های مشابه می‌بود، تحت اداره تنظیم خدمات، برق به‌صورت مستقل احیا می‌شد که نشد، در هر کشور اداره مستقل خدمات برق وجود دارد، اما در افغانستان نیست.»

مایار خاطرنشان ساخت که حالا شرکت برشنا یکه‌تاز میدان است و کسی هم اصلاح کرده نمی‌تواند. در عین حال در ۳۴ولایت، ۳۴ تعرفه برق وجود دارد و فهمیده نمی‌شود که این تعرفه‌ها بر اساس کدام تصمیم ایجاد شده و چه کسانی چنین تصمیمی گرفته‌اند. در حقیقت تعرفه برق را اداره ملی خدمات برق تنظیم می‌کند که چنین اداره‌یی در کشور وجود ندارد و اگر هم باشد خیالی است و دولت هم توجه ندارد.

مگس هم که پر بزند، میتر می‌چرخد در هر فصل زمستان، شکایت مردم بلند می‌رود که برق وجود ندارد، اما شرکت برشنا تحت هر شرایط از مردم پول‌های هنگفتی دریافت می‌کند. کارشناس امور انرژی می‌گوید که این موضوع کاملاً موضوع داخلی شرکت برشناست و می‌داند که هزینه آن را جامعه پرداخت می‌کند.

به گفته حبیب مایار: اگر سیستم دقیق در **ادامه در صفحه ۳**

کاهش هزینه محافظت از رهبران سیاسی از ۴ میلیارد به ۱٫۲ میلیارد افغانی

● راه مدنیت: رحمت‌الله اندر، سخنگوی شورای امنیت ملی کشور واکنش به شکایت برخی از شخصیت‌های سیاسی در اعتراض به کاهش تعداد محافظان‌شان، اعلام کرد که هزینه محافظت از رهبران سیاسی، سالانه حدود چهار میلیارد افغانی می‌شد، اما با اجرای اصلاحات به ۱٫۲ میلیارد افغانی کاهش یافته است.

آقای اندر در یک پیام تصویری افزوده که امنیت فزیکتی آنها تامین است و اگر محافظ بیشتر می‌خواهند، می‌توانند با هزینه شخصی از تصدی ملی محافظت عامه وزارت داخله استخدام کنند.

سخنگوی شورای امنیت ملی گفت که در شمار محافظان رهبران سیاسی تغییراتی نیامده است.

به گفته آقای اندر، محمدکریم خلیلی ۱۲۵ محافظ، محمد محقق ۱۵۰ محافظ و مارشال عبدالرشید دوستم ۱۸۰ محافظ دارد.

این در حالی‌ست که محمدیونس قانونی، مارشال عبدالرشید دوستم، احمدضیا مسعود، محمد محقق، سیدحامد گیلانی، ذبیح‌الله مجددی، صلاح‌الدین ربانی و محمدکریم خلیلی در فیصله‌نامه‌یی که منتشر کردند، آمده در صورتی که آنان مورد حمله قرار گیرند، رهبری دولت مسوول است و باید پاسخ‌گو باشد.

این چهره‌های مطرح سیاسی گفتند که ریاست محافظت و امنیت رجال برجسته به آنان اطلاع داده که محافظان‌شان را کاهش می‌دهد.

در پایان این نامه از رهبری دولت خواسته شده است که تشکیل محافظان و پروتکل امنیت معاونان پیشین ریاست جمهوری را به هدف رفع تهدیدات امنیتی مانند گذشته حفظ کند.

در پای این نامه، نام‌های گلبدین حکمتیار و عبدرب رسول سیاف نیز دیده می‌شود، اما آن‌ها امضا نکرده‌اند.

بیش از ۵۰ میلیون افغانی

برای برنامه‌های انکشافی

زراعتی نیمروز به مصرف

رسیده است



● راه مدنیت: ذبیح‌الله اولیازاده، آمر امور زراعتی ولایت نیمروز می‌گوید که طی سال جاری این ریاست ۵۰ میلیون و ۷۴۲ و ۵۵۰ افغانی بودجه داشته که تمام این بودجه، برای پیش‌برد فعالیت و برنامه‌های انکشافی به مصرف رسانیده است.

آقای اولیازاده گفته که این بودجه در بخش‌های افزایش ارزش نبات طبی هنگ، توزیع تخم‌های اصلاح شده، ساخت مزرعه‌های نمایشی گندم و زعفران، احداث باغ‌های پسته و خرما، جلوگیری از امراض حیوانی و بهبود وضعیت مالداری، ایجاد سبزخانه‌ها، برگزاری برنامه‌های آموزشی و تاسیس انجمن‌های زراعتی و مالداری به مصرف رسیده است.

به گفته این مقام دولتی ولایت نیمروز، با استفاده از این بودجه، در سال مالی ۱۳۹۹، ۲۰کشمش خانه عصری و ۱۵ ذخیره‌گاه پیاز در مرکز و ولسوالی‌های چهاربرجک، چخان‌سور و خاش‌رود با هزینه مجموعی مبلغ ۱۴ میلیون و ۹۵ هزار و ۸۶۰ افغانی از طریق برنامه مدیریت محصولات زراعتی با ده درصد سهم دهقانان ساخته شده‌اند.

او گفت که ایجاد ۳۰هکتار باغ میوه و احیای مجدد ۵۰ هکتار باغ قدیم با هزینه یک میلیون و ۷۴۰ هزار و ۹۶۰ افغانی از برنامه‌های دیگر این اداره می‌باشد.

همچنین وی از ساخت ۲۵ سبزخانه سبزیجات برای خانم‌های زراعت‌پیشه، توزیع مرغ‌های تخم‌گذار ۳۰ قطعه‌یی برای یک‌هزار فامیل بی‌بضاعت در قالب فارم‌های کوچک مرغ‌داری با هزینه ۲۹ میلیون و ۴۶۴ هزار و ۳۰۰ افغانی و توزیع نبات هنگ و زیره برای کشت در پنج هکتار، احداث باغ‌های جدید پسته با هزینه ۴۴ هزار و ۶۴۰ افغانی نیز یاد کرد.

آقای اولیازاده هم‌چنان می‌گوید که این ریاست به هدف ترویج و افزایش کشت زعفران، ۵۰ مزرعه نمایشی زعفران راساخته است.

ولایت نیمروز یکی از ولایات حاصل‌خیز کشور به شمار می‌رود که در این ولایت انواع میوه و سبزیجات کشت و حاصل می‌دهد.



مخالفت طالبان با چندهمسری

● هیت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، چندهمسری در میان مسوولان طالبان را منع کرده است. بر اساس سندی اختصاصی که در اختیار ایندپندنت قرار گرفته‌است، وی از طالبان خواسته‌است که از گرفتن همسر دوم، سوم یا چهارم خودداری کنند. در این سند که تحت عنوان «هدایات» به زبان پشتو منتشر شده‌است، آمده است: «هرچند ازدواج دوم، سوم و چهارم در شریعت مباح و جایز است، در اکثر مناطق کشور به هزینه زیاد نیاز دارد. ازدواج‌های دوم، سوم و چهارم امری است که از سر عشرت صورت می‌گیرد و غیرضروری است. شرایط زندگی مسوولان طالبان ایجاب نمی‌کند که تعدد زوجات انجام دهند.» رهبر گروه طالبان در ادامه این دستور خود توضیح داده‌است: «از این جهت، به دلیل ازدواج متعدد، بر امانت‌داری، اعتماد و شهرت نیک‌شان تأثیر منفی دارد.» وی همچنان گفته‌است که با ازدواج متعدد، «موضع خدمت‌گذاری و فعالیت‌های جهادی‌شان» تا حد زیادی متضرر می‌شود. رهبر گروه طالبان به جنگجویانش هشدار داده است که از تهمت و بدنامی خود را دور نگاه‌دارند و ضروری است که هر شخص در هر بُعد زندگی خود، با شفافیت کامل زندگی کند.

مدیت

● سال دهم ● شماره ۶۷۹ ● دوشنبه ۲۲ جدی ۱۳۹۹

تحلیل

madanyatdaily.com

۳

حکومت موقت؛ عقب‌گرد باطل

به شمول طالبان، کسانی که در دهل حکومت موقت می‌کوبند، در آن حکومت چه دیده‌اند که در نظام جمهورییت دیده نمی‌توانند؟

● امید کریمی

● در روزهای اخیر حرف و حدیث حکومت موقت نقل محافل است و شماری از رهبران سیاسی و رسانه‌های خارجی مداوم از آن یاد می‌کنند. هرچند طالبان نسبت به گزینه حکومت موقت چندنان بی‌میل نیست؛ اما خلاف موضع قبلی‌شان چیزی در این مورد نمی‌گویند. در طرف دیگر مردم، نگران آینده خود و طرح‌هایی‌اند که این روزها در غیاب‌شان در محافل داخلی و خارجی برای افغانستان ریخته می‌شوند. سخن صریح این که داعیه حکومت موقت برگشت به عقب و حرکت در یک دور باطل است. افغانستان ۱۹ سال قبل یک دوره حکومت موقت و دوره انتقالی را سپری کرده است. تاکنون چهار انتخابات ریاست جمهوری، سه دور انتخابات پارلمانی و سه دور انتخابات شوراهای ولایتی در ۳۴ ولایت کشور با تمام مشکلاتی که وجود داشت، به‌خوبی برگزار شده است.

به لحاظ سیاسی، افغانستان امروز یک کشور دموکراتیک است که تفکیک قوا در آن لحاظ می‌شود و قانون اساسی به‌عنوان وثیقه ملی بر سرنوشت فردی و جمعی مردم افغانستان حاکمیت تام دارد.

ما امروز حکومت مشروع و منتخب جمهوری اسلامی داریم. چیزی که احاد ملت به آن خود را سهیم می‌داند و آن را اراده فردی و جمعی خود می‌پندارند. واقعیت نیز همین است. در همه انتخابات‌های گذشته چه ریاست‌جمهوری و چه پارلمانی و شوراهای ولایتی، مردم طبق اراده سیاسی و اجتماعی‌شان مشارکت ورزیده و آرای خود را طبق خواست‌های فردی و جمعی‌شان استعمال کردند.

به لحاظ اجتماعی، زنان امروز افغانستان حضور مستقلانه سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی و حقوقی دارند و بیش از هر زمان دیگر حضور زنان در ادارات دولتی و خصوصی و در نهادهای تعلیمی و تحصیلی پررنگ‌تر است. در شرایط امروز حقوق تمام اقلیت‌های قومی و فرهنگی دست‌کم در قانون اساسی و قوانین نافذ کشور لحاظ شده و هیچ گروهی قومی و مذهبی خود را بیرون از دایره دولت نمی‌بیند.

به عبارت کوتاه افغانستان امروز اصلاً با افغانستان ویران امارت اسلامی، قابل مقایسه نیست. حتا اگر سیمای فزیکلی کشور را هم در نظر بگیریم به لحاظ محتوا و معنا نیز افغانستان امروز یک کشور متکثر، چندصدایی و دارای ساختارهای قانونی دموکراتیک است که با روزگار امارت اسلامی‌اش تفاوت دارد.

با این وصف چه دلیلی وجود دارد که همه این دست‌آوردهای معنوی و فزیکلی را رها کرده به عقب برگردیم؟

به شمول طالبان، کسانی که در دهل حکومت موقت می‌کوبند، در آن حکومت چه دیده‌اند که در نظام جمهورییت دیده نمی‌توانند؟ پاسخ واضح و آشکار است. رهبران سیاسی به دو

این رهبران، حکومت موقت را اهرم فشار برای باج‌های سیاسی می‌دانند که در گرفتن آن در هفت‌سال گذشته از رییس‌جمهور غنی ناکام بوده و اکنون فکر می‌کنند وقت آن رسیده است. این دسته فرصت‌شناسان ماهرند و می‌دانند در چه زمانی باج‌گیری کنند، کما اینکه در ۱۹ سال گذشته عمر شریف سیاسی را چنین به سر کرده‌اند. برای این دسته منافع فردی و تجارت‌های سیاسی را که در ۱۹ سال گذشته سامان داده و از آن سود سرشار به‌دست آورده‌اند مهمتر از منافع ملی و حتا حیات ملی است. دسته‌یی دیگر که دنباله‌رو شعارهای دیکته‌شده برخی از حلقات خارجی و رسانه‌های خارجی‌اند، فکر می‌کنند شبیه



● **دسته‌یی دیگر که دنباله‌رو شعارهای دیکته‌شده برخی از حلقات خارجی و رسانه‌های خارجی‌اند، فکر می‌کنند شبیه حکومت موقت آقای کرزی در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ خورشیدی، بر اساس حاتم‌بخشی‌های خارجی‌ها می‌توانند سهمی خوب در قدرت و سیاست به‌دست بیاورند و بر زره‌های مشروع و غیر مشروع خود بیفزایند.**

حکومت موقت آقای کرزی در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ خورشیدی، بر اساس حاتم‌بخشی‌های خارجی‌ها می‌توانند سهمی خوب در قدرت و سیاست به‌دست بیاورند و بر زره‌های مشروع و غیر مشروع خود بیفزایند.

طوری که یادآوری شد برای بخشی از بزرگان سیاسی ما تمام دار و ندار مملکت مساوی است به جیب خودشان. اگر جیب‌های حضرات چاق بود همه چیز خوب است و اگر چنین نبود همه چیز برای‌شان برعکس است.

اما طالبان حکومت موقت را معبری به سوی افق‌های نامعلوم امارت نگاه می‌کند. گروه طالبان به این نکته خوب واقف است که امارت طالبانی دیگر نه برای مردم و نه برای جهان قابل قبول است. از این رو بر این گروه خواب مستقیم امارت را دیگر دیده نمی‌توانند. تنها راهی را که برای رسیدن به امارت با دیکته پاکستان تشخیص داده، رفتن به سوی حکومت موقت است.

چون حکومت موقت در واقع باطل‌کننده همه دستاوردهای ۱۹ساله مردم افغانستان است. بر فرض محال، در چنین حالتی همه چیز را باید از نو آغاز کرد. یعنی حکومت موقت معنایش این است که قانون اساسی افغانستان کتمان گردد، تفکیک قوا از میان برود، خبری از انتخابات نخواهد بود، دست مردم از سرنوشت سیاسی‌شان کوتاه خواهد شد، زنان از حقوق‌شان محروم خواهند شد و در یک کلام کوتاه، بستری مناسبی برای امارت اسلامی نوع پاکستانی فراهم خواهد آمد.

اما مردم افغانستان چنانکه در گذشته امارت اسلامی را مردود شمرند و علیه آن تا آخرین دم ایستادند، امروز نیز امارت اسلامی طالبانی را خلاف شأن و هویت تاریخی و ملی خود می‌دانند. بر فرض محال اگر شرایط طوری پیش آید که استراتژی پاکستان قدم به قدم تطبیق گردد، مردم افغانستان هرگز به احیای چنین رژیم‌ی اجازه نخواهند داد و دست‌کم اگر کاری دیگری از پیش برده نتوانند، قطعاً دست به اسلحه خواهند برد و جنگ داخلی تمام‌عیار دوباره شعله‌ور خواهد شد. آنگاه تر و خشک همه باهم خواهند سوخت. ***

سرمقاله

ادارهٔ منتخب؛ تنها راه حل

مشروعیت هر حکومت باید از

خواست مردم نشأت بگیرد

● افغانستان کشوری است که در طول دوران مختلف تاریخ خود انواع حکومت‌ها را تجربه کرده است. حکومت‌هایی که با ایدئالوژی‌های متفاوت هر کدام نقاط قوت و ضعف خود را داشته‌اند، اما تنها نظامی که با توجه به شرایط بین‌المللی و براساس پذیرش همه مردم افغانستان شکل گرفته، دولت دموکراتیک فعلی است.

نظامی که پس از فروپاشی رژیم طالبان توانست موفقیت‌های بسیاری را در زمینه تحکیم ارزش‌های دموکراسی به دست آورد. برای اولین بار ارزش‌هایی مانند انتخابات، آزادی بیان، تحزب و ... در سایه همین نظام در افغانستان پا به عرصه سیاست کشور گذاشت.

امروز که حدود دو دهه از این تجربه می‌گذرد نظام دموکراتیک در افغانستان با سپری کردن تجربه‌های بسیاری توانسته است دستاوردهای قابل ملاحظه داشته باشد و بدون شک به‌دست آوردن این دستاوردها بدون صرف هزینه‌های بسیار توسط مردم امکان‌پذیر نبوده است. اگر دقیق بنگریم متوجه خواهیم شد در فضای حکومت دموکراتیک است که بحث گفتگوهای صلح به میان آمده و جدی شده است.

به‌رغم انعطاف دولت و مردم افغانستان در برقراری صلح و پذیرش بسیاری از پیش‌نیازهای آن، اما طرف طالبان با همان دیدگاه جزم‌گرایانه خود بر سر گفته‌های قبلی خویش که به‌دور از منطق است پافشاری می‌کنند.

در همین خصوص محمداشرف غنی؛ رییس‌جمهور کشور در مصاحبه با شبکه سی.ان.ان هشدار داده بود که اگر گروه طالبان تلاش کند «از این راه سلطه‌اش را بر کشور تحمیل کند، نتایج این روند منفی خواهد بود.» او در ادامه تأکید کرده بود که قدرت را فقط به یک اداره منتخب دیگر تحویل خواهد داد.

این سخنان نشان از آن دارد که به‌رغم انعطاف دولت جمهوری اسلامی افغانستان اما طرف طالبان به هیچ‌عنوان از مواضع خود کوتاه نیامده است.

دولت نیز با تأکید بر حفظ ارزش‌های دو دههٔ اخیر بر آن تأکید دارد که نظام سیاسی پساتالبان یک نظام دموکراتیک است که برآمده از اراده و خواست مردم در طی پروسه انتخابات بوده است. مشروعیت این نظام از آرای است که از درون صندوق‌های رای خارج شده است. این مساله نکتهٔ بسیاری مهمی است؛ زیرا به هیچ‌عنوان نمی‌توان امیدوار به آن بود که نظام‌هایی که در گذشته در افغانستان تجربه شده و دوران سیاه را بر مردم تحمیل کرده‌اند دوباره بر سر کار آیند. مشروعیت هر حکومت در افغانستان از خواست مردم باید نشأت بگیرد. سخنان رییس‌جمهوری نیز ناظر بر همین نکته است، یعنی مشروعیت نظام سیاسی باید از مردم گرفته شود نه از طریق زور و خشونت.

از سوی دیگر طالبان هیچ قرائت مشخصی از حکومت و نظام سیاسی ندارند. به عبارت دیگر طالبان چه در دوران حکومت خویش و چه در دروان کنونی در خصوص حکومت و نظام سیاسی هیچ طرح و برنامه مشخصی ندارند. آنان بیش از آنکه به این نکته توجه کنند به تخریب فکر می‌کنند. طالبان هیچ برنامه مشخص در حوزه‌های مختلف اجتماعی ندارد؛ حوزه‌هایی مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ، زنان و ...

بنابراین تنها ساختاری که می‌تواند نظم سیاسی را در کشور ادامه دهد نظام دموکراتیک است. طالبان نیز باید این نکته را بپذیرند که ایجاد نظم سیاسی کار بسیار ساده نیست و اداره‌یی می‌تواند چنین نظمی را به‌وجود آورد که مقبولیت و مشروعیت مردمی داشته و دارای طرح مشخص حکومت‌داری باشد.

دارند. بنابراین، به لحاظ استندرد چیزی کمبود نیست.» در همین حال، مسوولان شرکت برشنا می‌گویند که ظرفیت تولیدی شرکت برشنا بیشتر از ۴۸۰ میگاوات نیست و ضرورت مردم به انرژی برق در زمستان به ۷۵۰ میگاوات می‌رسد و به همین خاطر است که در زمستان خلای انرژی برق با پرچاوی جبران می‌شود.

وحیدالله سخنگوی، سخنگوی این شرکت به روزنامه راه مدنیت می‌گوید که پرچاوی برق در سال جاری بیشتر شده و دلیل آن این است که حدود ۱۸۵الی ۱۲۰ میگاوات شبکه‌ها به خاطر وصل برق جدید ترکمنستان توسعه پیدا کرد، اما متأسفانه این پروژه به دلیل مشکلات امنیتی، تخنیکی و استملاک زمین وصل نشد.

به گفتهٔ سخنگوی شرکت برشنا، مسوولیت این نهاد خرید، فروش و جمع‌آوری عواید برق است و نیز تولید از بندهای بزرگ مسوولیت آن است اما ساخت‌وساز بندهای بزرگ صلاحیت و مسوولیت اداره تنظیم امور آب می‌باشد.

پس از قطع برق اوزبیکستان، گفته می‌شد که دولت افغانستان و یا هم شرکت برشنا پول آن را پرداخت نکرده است، اما سخنگوی این شرکت می‌گوید که پول برق دولت اوزبیکستان داده شده است. از اداره برشنا تقاضا کردیم اسناد پرداخت پول برق اوزبیکستان را با روزنامه شریک بسازند، اما جواب مثبتی در این مورد وجود نداشت.

یک سیستم و یا هم یک روند همکاری میان اداره نورم استندرد و شرکت برشنا عملاً وجود ندارد.

غلام‌سرور همگام، رییس تدوین استندردهای اداره نورم و استندرد به روزنامه راه مدنیت می‌گوید که چک و بررسی می‌تیرها نه در قانون تذکر یافته و نه هم کدام طرز‌العمل مشخص دارد. بدین منظور، قرار بود که ادارهٔ نورم و استندرد با شرکت برشنا تفاهم‌نامهٔ امضا کند و اداره استندرد خدماتی را به مردم ارایه کند. به این خاطر است که این اداره خدمات لابراتوار برق را دارد و می‌تواند تشخیص کند که اگر می‌تیرها عیار نیست، باید آماده شود و بعد از آن مردم استفاده کند.

به گفتهٔ همگام، بررسی و چک می‌تیرها، یک بخش از این تفاهم‌نامه با شرکت برشنا بود، ولی این تفاهم‌نامه امضا نشده و ادارهٔ نورم و استندرد هم مکلفیت قانونی ندارد. شرکت برشنا خودش یک لابراتوار ساده دارد که چک می‌کند یا نمی‌کند به خودش مربوط می‌شود. او همچنان خاطرنشان کرد که کاپی تفاهم‌نامه چندین‌بار میان دو اداره تبادل شد، ولی تاحال نهایی نشده است.

این اداره در مورد وسایل برقی حدود ۱۸۰ استندرد دارد که شامل لاین‌ها، کیبل‌ها و سیستم‌های دیگر برق‌رسانی می‌شود و این استندردها در مورد مختلفی هفده ساحه را پوشش می‌دهد. «کیبل، سیستم، گروپ، برای این‌ها استندردهای بین‌المللی اقتباس شده و به اختیار تمام ادارات به خصوص شرکت برشنا قرار گرفته است و نماینده‌های این شرکت در کمیته‌های ما هم حضور

● دقیق یادم هست همین چند سال پیش بود که مادرکلانم گفت: «اگر می‌خواه جایی را آباد کنی، باید مکان دیگر را تخریب و به ویرانه مبدل بسازی.»

گفتم: چگونه؟ حادثه تاریخی یازدهم سپتمبر در امریکا را مثال زد و گفت: از آن زمان به بعد امریکا به مخروبه‌یی مبدل گشت و کشور ما آباد و ابرستاره شد.

گفتم: مادرکلان چگونه ممکن است؟ من که نشانی از آبادی و عمران را در این شهر نمی‌بینم.

با این پرسش، چین و چروک‌های پیشانی‌اش چند برابر گشت و گفت: ما افغان‌ها خورده منکریم. مثال زد: دیوارهایی ما قد کشید.

چندین بار به فساد برنده شدیم. به مواد مخدر مرد میدان گشتیم. جوانان ما بیکار، بزرگان ما بی روزگار شدند.

سر خط خبرهای جهان شدیم. مثال‌های تر و تازه مادرکلانم تمام نشده بود. که برق رفت. مادرکلانم گفت: این رفتن برق، از آن تهدیدهایی است که ما اگر یک جو عقل در کله‌مان باشد می‌توانیم آن را تبدیل به فرصت کنیم و از فرصت‌های پیش‌آمده استفاده درست کنیم. گفتم؟ چگونه مادر کلان؟ در مورد فواید قطع برق چیزهای زیادی گفت که یکی آن این بود:

گفت: در جلسه شش‌ونیم میثاق امنیتی فیصله این شد که کابل با کمره‌های امنیتی مجهز می‌شود، در چنین شرایطی کمره‌های نصب شده به‌دنبال دزدان ماهر می‌آید و ما با فکر آرام در اختراع یک ریکارد جدید دست به کار می‌شویم.



چند دقیقه نگذشته بود، که پای برق به‌خانه رسید. سخنگوی برشنا از یکی از شبکه‌های تلویزیونی همزمان با حضور برق سر و کله‌اش نمایان گشت و گفت: «اوزبیکستان دیگر به منابع مالی و انرژی خود ننازد؛ چون حالا قادر شدیم که برق تولید کنیم و دیگر نیاز نمی‌بینیم که درون خانه شیشته باشیم و سیویج گروپ مادر خانه همسایه باشد.»

صحبت‌هایش تمام نشده بود، که باز برق رفت؛ من و مادرکلانم با اظهار خوشحالی صحبت‌های سخنگوی برشنا را تحلیل و تفسیر می‌کردیم که دوباره برق آمد. این بار یورش هواداران ترمپ به کنگره امریکا را دیدیم که شاخ‌داران در خانه دموکراسی امریکا وارد شده و به تقلب کاران شعار مرگ می‌فرستادند!

بعد هم توییت‌های ترمپ به تلفون‌ام آمد که می‌گفت: افغانستان یک کشور ابر ستاره در سطح جهان شده است به چند دلیل. یک: انتخاباتش شفاف‌تر از انتخابات امریکا بود.

دو: خودش برق ندارد اما تصمیم به صادرات برق گرفته.

سه: ... به سه که رسیدم تلفونم چارج خلاص کرد و خاموش شد و من ماندم و تاریکی.



فیسبوک دکمه لایک را از صفحات عمومی حذف کرد

● فیسبوک در طراحی صفحات جدید بیش از آنکه به لایک شدن پست‌ها اهمیت بدهد، روی تعداد فالورها تمرکز می‌کند و با همین استدلال دکمه لایک از صفحات عمومی مورد استفاده هنرمندان، برندها و اشخاص مشهور حذف شده است.

۴

● سال هم ● شماره ۶۷۹ ● دوشنبه ۲۲ جدی ۱۳۹۹

فرهنگ

madanyatdaily.com

مدیت

کتاب‌نامه | انسان مردد

یادداشتی بر کتاب «روان درمانی اگزستانسیال» از اروین یالوم

● جیب شاهرخی

● این کتاب به چهار دلواپسی غایی می‌پردازد: مرگ، آزادی، تنهایی و پوچی.

مرگ واضح ترین و قابل درک‌ترین دلواپسی غایی است. اکنون وجود داریم، ولی روزی می‌رسد که دیگر نیستیم. مرگ خواهد آمد و گریزی از آن نیست. حقیقت هولناکی است و ما با وحشت مرگ به آن پاسخ می‌دهیم. اصلی‌ترین تعارض اگزستانسیال تشیی است که میان آگاه از اجتناب‌ناپذیری مرگ و آرزوی ادامه زندگی وجود دارد.

دیگر تعارض اگزستانسیال تشیی است میان آگاه از تنهایی مطلق و آرزویمان برای برقراری ارتباط، محافظت شدن و بخشی از یک کل بودن.

سومین تعارض، ترس از به آزادی رسیدن و مسوولیت پذیری است. در این وضعیت، فرد باید بپذیرد که به طور کامل مسوول -یا به عبارتی مؤلف- دنیا، الگوی زندگی، انتخابها و اعمال خویش است.

چهارمین دلواپسی غایی، پوچی و بی معنایی است، به طوریکه گفته می‌شود، اگر هدفی مقدر و از پیش تعیین شده وجود ندارد، پس هر یک از ما باید معنای خویش را در زندگی بسازیم.

هر انسانی در مقطعی از زندگی

به فکر فرو می‌رود و با دلواپسی‌های غایی اگزستانسیال سروکار پیدا می‌کند. اگر انسان بتواند مقاومت جانانه‌یی در برابر این دلواپسی‌ها داشته باشد به نتیجه مطلوب می‌رسد ولی اگر مقاومت پایین باشد، بیماری پدیدار می‌شود.

این سخن هاروی را که می‌گوید: «اگر راه به بهترین باشد، همانا موشکافی بدترین است» باید مورد توجه قرار داد. به این معنی که اگر می‌خواه حالت خوب باشد باید بتوانی با اضطراب‌های ناشی از این دغدغه‌های اگزستانسیال مقابله کنی و راه درست را بیابی. چون اضطراب سوخت لازم برای ناهنجاری روانی را فراهم می‌کند.

دلواپسی نخست: مرگ

مرگ یکی از حقایق زندگی است. مرگ و زندگی از لحاظ روان شناختی با یکدیگر آمیخته‌اند. یعنی زندگی و مرگ همزمان وجود دارند. مرگ مدام زیر پوسته زندگی در جنبش است و بر تجربه و رفتار آدمی تأثیر فراوان دارد.

در آشکارترین حقایق زندگی، ما از محو شدن و نابودی در هراسیم و به رغم رویارویی با نابودی و ترس، باید زندگی کنیم. این ناپایداری زندگی به شور و شوق ما برای زیستن می‌افزاید. وقتی مرگ وجود دارد، حضور زندگی ارزشش بیشتر می‌شود.

در رمان «جنگ و صلح»، پی‌ری یکی از قهرمانان رمان وقتی در آخرین لحظه، اعدامش به تأخیر می‌افتد، این تجربه او را دگرگون می‌کند و زندگی پرشور و هدفمندی را پی می‌گیرد. او می‌تواند با تمام وجود با دیگران ارتباط برقرار کند، مشتاقانه از طبیعت پیرامونش آگاه شود و وظیفه‌یی در زندگی بیابد که برایش معنا دارد و خود را وقف آن سازد.

دلواپسی دوم: ترس از آزادی و مسوولیت‌پذیری

انسان از آزادی مطلق و مسوولیت‌پذیری، ترس دارد و گریزان است. او یا در آرزوی سلطه‌پذیری و اطاعت است یا مشتاق قدرت.

ازنظر تفکر اگزستانسیال، ما آزادیم مطابق انتخاب خویش عمل کنیم و سارتر می‌گوید: «من در برابر آنچه می‌کنم و آنچه انتخاب می‌کنم که نادیده بگیرم، مسوولم.» پس اولتلاش دارد به انسان‌ها کمک کند تا خود را آزاد حس کنند و مسوولیت اعمال و انتخابهای خود را بپذیرند.

این تفکر می‌گوید: «هر چقدر هم از دیگران راهنمایی و حمایت گرفته باشم، در نهایت مسوولیت شیوه زندگی‌م بر عهده خودم است.»

ولی انسانی که دچار ترس اگزستانسیال است نمی‌خواهد این آزادی و مسوولیت را بپذیرد. اریک فروم بارها تأکید کرده است:

«انسان‌ها همیشه منشی دوسرگرا نسبت به آزادی دارند. با اینکه به پیکاری بی‌امان برای رسیدن به آزادی دست می‌زنند، منتظر فرصتی هستند که از آن صرف نظر کنند و به نظامی استبدادی تن در دهند تا از باری که آزادی و تصمیم بر دوششان نهاده، بکاهند.»

دلواپسی سوم: تنهایی



● کتاب‌ها برای باور کردن نوشته نشده‌اند،

بل نوشته شده‌اند

تادر معرض پرسش‌گری قرار گیرند

امبرتو آکو

فیلسوف، متخصص قرون وسطی، منتقد ادبی

ورمان‌نویس بزرگ ایتالیایی

تجربه تنهایی اگزستانسیال، مانند هر نوع ملال، وضعیت ذهنی بسیار ناخوشایندی پدید می‌آورد و به مدت طولانی برای فرد قابل تحمل نیست. (ص ۵۶۴)

بعضی از تنهایی، مورد عشق نبودن، و دوست داشتنی نبودن، شکایت می‌کنند. ولی کار مفید همیشه باید در جهت مخالف انجام شود، ناتوانی آن‌ها در عشق ورزیدن. در واقع، عشق بالغانه دوست داشتن است، نه دوست داشته شدن.

برقراری رابطه و متعهد شدن به دیگران، همواره انسان را غنی تر می‌کند نه فقیرتر. ارتباط برقرار کردن با دیگران مهمترین منبع

● هر انسانی در مقطعی

از زندگی به فکر فرو

می‌رود و با دلواپسی‌های

غایی اگزستانسیال

سروکار پیدا می‌کند. اگر

انسان بتواند مقاومت

جانانه‌یی در برابر این

دلواپسی‌ها داشته باشد

به نتیجه مطلوب می‌رسد

ولی اگر مقاومت پایین

باشد، بیماری پدیدار

می‌شود.



«این چیز برای آنکه به زندگی معنا بخشد، باید فرد را از خود بیرون بکشد و فراتر برد و او را به بخشی از نظامی عظیم تر مبدل کند.» (صص ۵۹۹-۶۰۰)

همان‌طور که اکثر ما قبول داریم، خدمت به دیگران و فداکاری برای یک آرمان، احساس معنا پدید می‌آورد. (ص ۶۰۰)

مادی معتقد است: «هیچ انگاری چنان رایج است که حتی به‌عنوان مشکل به آن نگاه نمی‌شود، در واقع، اغلب جامعه مبدل رویکردی بسیار روشن‌فکرانه و فرهیخته را برتن می‌کند.» (ص ۶۲۲)

اما، همه مطالعات پژوهشی که همبستگی‌ها را بررسی می‌کنند، فقط نشان می‌دهند که کاهش معنای زندگی و ناهنجاری‌های روانی با هم همراه دارند.» (ص ۶۲۴)

در یک پژوهش نتیجه‌گیری شده است که کاهش معنای زندگی، یک کارکرد -یعنی یک علامت- ناهنجاری است. (ص ۶۲۴)

وجود معنای مثبت در زندگی، با عضویت در گروه‌ها، فداکاری برای یک آرمان و تعیین اهداف روشن

در زندگی مرتبط است. (ص ۶۲۴)

روشن است که ماسخت نیازمند معناییم و در فقدان بسیار آشفته.

(ص ۶۲۷)

فرانکل موضع سارتر را که می‌گوید یکی از مسوولیت‌های آزاد بودن این است

که فرد باید خود معنا بیافریند، را زیر سؤال برد و تأکید کرد که «معنا را باید یافت نه آنکه آن را آفرید.» (ص ۶۳۸)

عضوی از یک گروه بزرگ بودن، خود را وقف جنبش یا آرمانی کردن، از شیوه‌های مؤثر انکار تنهایی است.

(ص ۶۴۲)

هر چه بیشتر در پی معنایی از خود بگذراند، باشیم، شادی بیشتری از پی‌مان خواهد آمد. (ص ۶۵۰)

احساس پرمعنایی کردن محصول تعهد است. (ص ۶۶۲)

تعهد پاسخ درمانی پوچی است، صرف نظر از آنکه منشاء آن پوچی چه باشد. (ص ۶۶۲)

با مرگ، آزادی و تنهایی باید مستقیماً گلاویز و دست به گریبان شد؛ ولی وقتی نوبت به پوچی می‌رسد، درمانگر باید به بیمارانش کمک کند از پرسش فاصله بگیرند. به‌جای غوطه‌وری

در معضل پوچی راه حل تعهد را برگزینند. (صص ۶۶۴-۶۶۵)

کتاب روان‌درمانی اگزستانسیال کتابی است پر از بار معنایی و کمک به انسان‌ها برای رهایی از مشکلات و معضلات اگزستانسیال. خواندن آن را به تمام دوستان پیشنهاد می‌کنم.

در دسترس ما برای کاستن از وحشت تنهایی است. کسانی که قادر به رویارویی با تنهایی خویش و اکتشاف در آنند، یاد می‌گیرند با عشقی بالغانه با دیگران ارتباط برقرار کنند، ولی فقط آن‌ها که از هم‌اکنون قادر به برقراری رابطه با دیگرانند و به اندکی رشد بالغانه دست یافته‌اند، می‌توانند تنهایی را تاب آورند.

دلواپسی چهارم: پوچی

دکتر یالوم می‌گوید: «نزدیک به یک سوم بیماران من از هیچ روان‌نژندی که از لحاظ بالینی قابل وصف باشد، در رنج نیستند، بل از بی‌معنایی و بی‌هدفی زندگی‌شان در رنجند.» (ص ۵۸۰)

یونگ معتقد بود: «پوچی، زندگی را از سرشاری و آکندگی باز می‌دارد و در نتیجه معادل بیماری است.»

او معتقد بود: «فقدان معنا در زندگی نقش سرنوشت‌سازی در علت شناسی روان‌نژندی دارد. روان‌نژندی را باید در نهایت رنج یک روح انسانی دانست که معنای خویش را در نیافته است.» (ص ۵۸۱)

از دیدگاه فرانکل، «روان‌نژندی اگزستانسیال معادل بحران بی‌معنایی یا پوچی است.»

سالواتوره مادی در رساله تحسین برانگیزش درباره جستجوی معنا می‌گوید: «ناخوشی اگزستانسیال در ناکامی همه

جانبه در جستجو برای معنای زندگی ریشه دارد.» (ص ۵۸۲)

از این نظر، آدمی نیازمند معناست. گویی زندگی بدون معنا، هدف، ارزش یا آرمان

موجب رنج بسیار است و در نوع شدیدش به تصمیم پایان دادن به زندگی می‌انجامد.

(ص ۵۸۳)

موقعیت اگزستانسیال می‌گوید: «دنیا تصادفی است یعنی هر آنچه هست، می‌توانست طور دیگری باشد، یعنی خود انسان‌ها هستند که دنیای خود و

موقعیت‌شان را در آن می‌سازند، یعنی «معنایی» در کار نیست، جهان از نقشه‌یی عظیم برخوردار

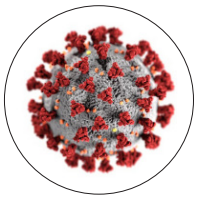
نیست، هیچ خط مشی‌یی جز آنچه فرد خود می‌آفریند، وجود ندارد.» (ص ۵۸۴)

ولی این برداشت اگزستانسیال صحیح نیست چون: «کسی که واجد حس معناست، زندگی را دارای هدف یا کارکردی می‌بیند که باید به آن دست یافت، هدف یا اهدافی

برتر که فرد مدنظر خویش قرار می‌دهد.» (ص ۵۸۵)

یونگ گفته است: «معنا بسیاری چیزها -و شاید همه چیز- را قابل تحمل می‌کند.» (ص ۵۹۶)

دنیا را به جای بهتری برای زیستن بدل کردن، خدمت به



پس اندازهای کرونایی!

● تحقیق جالبی پیرامون کرونا انجام شده و می گوید اگر یک دوا (یا واکسین) بتواند حتی نیم روز از دوره سرایت کرونا را کم کند چه اتفاقی می افتد: دوره سرایت قطعی کرونا در حالت معمول ۹.۵ روز است. اگر نیم روز از آن کم شود ۱.۷ میلیون نفر کمتر کرونا می گیرند و ۲۰۹ میلیارد دلار کمتر هزینه می شود. اگر ۲.۵ روز از دوره سرایت کم شود ۷.۴ میلیون نفر کرونا نمی گیرند و ۲۹۳ میلیارد دلار ذخیره می شود.

سنسورهای زنده در صنعت

● دست‌هایی جدید از سنسورها در صنعت استفاده می‌شود که از موجودات زنده استفاده می‌کنند. به‌طور مثال برای کنترل کیفیت آب شهری در ورشوی لهستان از صدف استفاده می‌شود. صدف‌ها وقتی دهانشان را باز می‌کنند که کیفیت آب مناسب باشد. آلارم سیستم با بسته شدن صدف فعال می‌شود!



درنگ

گناهکاری فردی - مسوولیت جمعی بر اساس نوشته‌های هانا آرنه



الهه موسوی
جامعه‌شناس



خشونت‌ها بوده‌اند.

مشاهده رفتار خشن در محیط خانواده، و تجربه مورد آزار قرار گرفتن، موجب می‌شود تا چنین مردانی فرصت‌های مناسب برای پرخاشگری را همانندسازی کرده و مرتکب رفتار خشونت‌آمیز شوند؛ بنابراین الگوپذیری فرزندان از والدین نه تنها در رشد و پرورش کودکان، بل در رفتار آینده آن‌ها نیز مؤثر خواهد بود. تنبیه بدنی کودک به دلیل اشتباهاتی که انجام داده کار نادرستی است؛ چرا که همین مسأله باعث می‌شود که در فرد یک نوع احساس انتقام‌جویی به وجود بیاید که بعدها این انتقام‌جویی را نسبت به خانواده و یا اجتماع ابراز دارد. شاید برای شکست خانواده و ابراز نفرت و انزجار از والدین به جرم روی آورد و با این عمل بخواهد از آن‌ها انتقام بگیرد. پس والدین به جای تنبیه بدنی از روش‌های اصولی تربیت کودک استفاده نموده و همه تلاش خود را جهت رشد و تعالی او انجام دهند چرا که در سازگاری کودک در خارج از خانه و محیط اجتماعی نقش اساسی دارند.

پیشنهادهات

● با درنظرداشت موارد فوق که در رابطه به خانواده ذکر گردید، می‌توان گفت که خانواده سالم اساس‌گذار یک جامعه سالم است، زیرا شخصیت فرد ابتدا همانا خانواده است شکل می‌گیرد و بعداً در سایر محیط‌های اجتماعی به مرور زمان تکمیل می‌گردد. در صورتی که فرد در خانواده به کمبود محبت، کم توجهی والدین، خشونت و رفتار نامناسب مواجه گردد، از لحاظ روانی بالای آن تاثیر منفی نموده و این فرد می‌تواند هم حیات خود و حیات سایر افراد که در اجتماع زندگی می‌نمایند به خطر مواجه سازد. امروزه جرایم در تمام جهان به عنوان یک تهدید بزرگ موجود است و خانواده‌ها می‌توانند برای کاهش جرایم در جامعه نقش مهم و اساسی را بازی نمایند، اگر فرآیند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در نهاد خانواده به‌طور مناسب و سالم اجرا شود، می‌توان انتظار داشت فرزندان که در چنین خانواده‌یی رشد یابند، در آینده شهروندانی قانون‌گرا باشند، زیرا خانواده در ایجاد باورهای هنجاری بسیار مؤثر است و می‌تواند از توسعه جرایم و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند.

متأسفانه در کشورهای رو به انکشاف هنوز هم خانواده‌ها در سطح بسیار ابتدایی زندگی می‌کنند و از نقش عمده خود در قسمت تربیه فرزندان آگاه و معلومات لازم را ندارند بناً موارد ذیل را می‌توان به عنوان پیشنهادات مقاله فوق تحریر نمود:

- ۱- بلند بردن سطح آگاهی خانواده‌ها در قسمت تربیه فرزندان و جلوگیری از خشونت و تنبیه بدنی فرزندان توسط والدین.
- ۲- ایجاد محیط سالم و عاری از خشونت برای فرزندان و جلوگیری از بگومگوهای فامیلی در مقابل آن‌ها.
- ۳- کنترل دوام‌دار فرزندان در زمان‌های متفاوت، خصوصاً در محیط‌های بیرونی.
- ۴- شنیدن و گوش دادن دقیق به صحبت‌های فرزندان و خواست‌های آن‌ها.
- ۵- ایجاد روابط دوستانه و صمیمی بین والدین و فرزندان، با ایجاد این روابط می‌توانیم از بسیاری موارد که فرزندان حاضر به بیان و شریک ساختن آن همراه ما نیستند باخبر شویم.
- ۶- ایجاد محیط مساوی و بدون فرق بین فرزندان.
- ۷- برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و طولی‌مدت در رابطه به مکلفیت‌های والدین و چگونگی نحوه برخورد آن‌ها با فرزندان، زیرا در اکثر نقاط کشور ما هنوز هم والدین با همان روش‌های سنتی با فرزندان خویش رفتار می‌نمایند که این رفتارهای نامناسب باعث ایجاد ناراحتی در فرزندان آن‌ها گردیده و چنین افراد برای خود و جامعه مشکل‌ساز می‌گردد.

به رفتار مجرمانه می‌کاهد، چرا که فرزند کمبود شخصیتی نخواهد داشت و گرفتار گرداب آسیب‌های اجتماعی نخواهد شد. والدینی که با غفلت کانون خانواده خود را به سردی و خموشی می‌کشاند باید منتظر تماس فرزند خود با اشخاص و محیط‌های آلوده باشند. یکی از جرم‌شناسان به نام دوگرف در این رابطه می‌نویسد: اگر خانواده به وظایف تربیتی خود عمل کند و روابط بین والدین و فرزندان طبیعی بود، در محیط خانواده جو دوستی و محبت حاکم باشد و در نهایت اگر تمام نیازهای طبیعی فرزند تامین شود طفل به راحتی اجتماعی شده و همچنین در روابط خانوادگی و خارج از آن رفتارهای طبیعی و متعادل خواهد داشت.



● پای بندی اعضای خانواده به مسایل شرعی گناه خود جرمی است که در دادگاه وجدان محکوم و مذموم است ولیکن گناه سرچشمه ارتکاب جرم است. پایبندی به دین، پایبندی به قانون را در بر دارد برای جلوگیری از ارتکاب جرم بایستی اصول دینی را رعایت نمود. اصول فکری فرهنگ دینی ضامن سلامت روح و روان است و بستر ساز جامعه‌یی مترقی، مستقل و متعالی است که در آن ادب و احترام و اعتبار افراد به طور تام و تمام رعایت می‌شود.

دوری والدین از اختلاف و مشاجره

عدم هم‌فکری اعضای خانواده باعث جنگ و درگیری زن‌وشوهر و صحبت‌های آنان در حضور فرزندان می‌شود و این مساله باعث می‌گردد که فرزندان همواره نگرانی برای از بین رفتن زندگی والدین خود باشند. همیشه نگران و پریشان باشند و در صورت جدایی والدین، در اثر محرومیت از دیدار پدر یا مادر خود اطفال دچار کمبود محبت می‌شوند. عکس‌العمل ناراحتی‌های روانی مذکور، بعداً به صورت عصیان، پرخاش‌گری، تمرد از اوامر پدر و مادر و بالاخره منجر به ارتکاب جرایم مختلف می‌شود.

در اثر ازهم‌پاشیدن خانواده، گاهی دختران دست به فرار از منزل و مکتب زده و پسران محیط بیرون از خانه را به محیط متنسج خانواده ترجیح می‌دهند یا با قبول عضویت در باندها به ارتکاب جرایم مختلف کشانده می‌شوند. ازهم گسیختگی خانواده نقش مهمی در رفتار مجرمانه دارد و چرا که فرد الگوهای مناسب راهنمایان خود را از دست می‌دهد و بستر مناسبی در جهت بروز اعمال مجرمانه پیش روی خود می‌بیند، پس در خانواده باید از تنش، کشمکش و طلاق جلوگیری به عمل آید تا به رشد و سلامت روان بچه‌ها آسیب کمتری وارد شود و از این طریق از وقوع جرایم پیشگیری شود.

اجتناب از تنبیه بدنی و خشونت

معمولاً خانواده‌ها برای تربیت فرزندان از تنبیه بدنی استفاده می‌کنند، اما این روش نه تنها فایده‌یی ندارد بل نوعی تعارض دایمی بین فرزندان و پدر و مادر به وجود می‌آورد. مردان آزردهنده اغلب در محیط‌هایی تربیت شده‌اند که خشونت در آن‌ها رفتاری متداول و عادی بوده و شاهد بدر رفتاری با مادر و دختران خانواده از طریق پدر یا برادر بزرگ تر بوده‌اند یا خود قربانی

● از آن‌جا که جرم یک پدیده اجتماعی است، نحوه عمل کرد و فعالیت کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده، نقشی مهم را در متجانس ساختن حرکات و فعالیت‌های افراد در اجتماع بازی می‌نماید. خانواده به عنوان سلول تشکیل دهندهٔ پیکره اجتماع نقش اساسی در سلامت جامعه و پیش‌گیری از انواع انحرافات و جرایم دارد. خانواده سالم، اساس‌گذار یک جامعه سالم است. پس گفته می‌توانیم که در صورت موجودیت یک خانواده سالم، می‌توان جامعه‌یی سالم را ساخت. تربیت انسان کاری است دشوار و وقت‌گیر و نتایج آن نیز دیر آشکار می‌شود. بودن آدمی به چگونگی و نحوه تربیت وی بستگی دارد. اگر «خوب و بد» ملاک شرایطی مناسب برای تربیت فراهم آید انسان به سمت بی‌نهایت سیر می‌کند و اگر در این امر غفلت شود، چه بسا که آدمی از حد پست‌ترین موجودات زمین نیز فروتر رود و خانواده مهم‌ترین بستر برای تربیت فرزندان است و شرایط را برای تربیت فرزندان فراهم می‌سازد. حیات خانواده در گرو احساس تعلق، وابستگی و پیوند میان اعضای آن است. اولین و مهم‌ترین نقش خانواده تامین ارزش محبت در میان اعضای خود و پس اشاعه این ارزش از راه ایجاد روابط محبت‌آمیز و دوستی‌های ژرف در میان افراد جامعه است.

آنچه که مسلم است خانواده نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت، منش و رفتار کودک و نوجوان دارد، چرا که محیط خانواده محیطی است که فرد در آن چشم به دنیا گشوده و رشد خود را آغاز می‌کند، در سنین اولیه زندگی با اینکه کودک هنوز قادر به انجام بسیاری از کارها نیست، لکن حرکات اطرافیان خود را تقلید کرده و رفتار و کردار اعضای خانواده در ضمیر او حک و شخصیت او پی‌ریزی می‌شود. امروزه به تجربه آشکار شده که کودک در تمام مراحل رشد و بلوغ نه تنها نیازمند توجه و مراقبت کامل جسمانی است بل در توانایی‌های احساسی، ادراکی و ذهنی نیاز مبرمی به راهنمایی و هدایت آگاهانه همراه با محبت دارد. با درنظرداشت اینکه شخصیت یک فرد در محیط خانواده شکل گرفته خانواده می‌تواند نقش مؤثری در پیش‌گیری از وقوع جرایم ایفا نماید.

اهمیت خانواده

۱. خانواده یکی از عوامل مؤثر و اساسی در رفتار فرد است. کودک از بدو تولد خصوصیات را از والدین خود به ارث می‌برد که زمینه‌های رشدش را فراهم می‌کند. نفوذ والدین در کودکان، تنها جنبه‌های ارثی و وراثتی ندارد، بل در آشنایی کودک به زندگی اجتماعی و فرهنگ‌پذیری وی، خانواده و والدین نقش مؤثری را برعهده دارند.
۲. یکی از فکته‌های اساسی افراد در اجتماع که تعیین‌کننده نقش آن‌ها در جامعه نیز می‌باشد، شخصیت است و تنها محیط که برای اولین بار شخصیت فرد در شکل می‌گیرد؛ خانواده است.
۳. برای خانواده در قانون اساسی کشور ما نیز جایگاه خاص در نظر گرفته شده است. چنانچه در ماده سی و چهارم قانون اساسی کشور ما از خانواده به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه نام برده شده است.
۴. از دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان یکی از نهاده‌های که در متجانس کردن رفتار افراد در جامعه نقش دارد خانواده است و این نشان‌دهنده نقش برجسته خانواده در اجتماع است. نقش مهر و محبت و روابط عاطفی در محیط خانواده؛ مهر و محبت در محیط خانواده و ارزش قایل شدن برای شخصیت فرزندان ارتباط آنان را با گروه هم‌سالان مجرم را محدود می‌کند و از گرایش آنان

● در آلمان دوران پس از جنگ، دربارهٔ آنچه رژیم هیتلر بر یهودیان روا داشته بود، مشکلات مشابهی به‌وجود آمد: فریاد «ما همه گناهکاریم» که در ابتدا بسیار ارجمند و وسوسه‌انگیز به نظر می‌رسید، در عمل صرفاً کسانی را که واقعاً گناهکار بودند تا حد زیادی تبرئه کرد.

زمانی که همه گناه‌کار باشند، هیچ‌کس گناه‌کار نیست. گناه، بر خلاف مسوولیت، همواره تمایزبخش است؛ گناه، امری عمیقاً شخصی است. گناه معطوف به عمل است و نه نیت‌ها و قابلیت‌ها. تنها در معنایی استعاری می‌توان گفت که ما نسبت به خطاهای پدران یا هموطنان خود یا بشریت و به طور خلاصه، نسبت به اعمالی که انجام نداده‌ایم، هر چند، بنا بر سیر وقایع، مجبور باشیم بهای آن را بپردازیم، احساس گناه می‌کنیم و چون احساس گناه، عذاب وجدان، و آگاهی از خطاکاری در قضاوت اخلاقی

و حقوقی سهم به‌سزایی دارند، عاقلانه‌تر است که از بیان چنین استعاره‌هایی خودداری کنیم، [زیرا] برداشت تحت‌اللفظی از این استعاره‌ها تنها به ابراز احساسات مبالغه‌آمیز و ساختگی می‌انجامد که همهٔ مسایل واقعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

از نظر من، مسوولیت جمعی در قبال اجتماع همواره سیاسی است، خواه در شکل قدیمی‌تر خود که کل جامعه مسوولیت هر آنچه را که یکی از اعضای آن انجام داده، بر عهده می‌گیرد، خواه جامعه‌یی که در برابر آنچه به نام او انجام شده، مسوول به‌شمار می‌رود.

البته این نوع دوم برای ما مهم‌تر است زیرا، چه خوب چه بد، فقط محدود به حکومت‌های مبتنی بر نمایندگی نیست بل در همهٔ جوامع سیاسی کاربرد دارد. هر حکومتی خود را در برابر اعمال

و سوءرفتارهای حکومت پیشین مسوول می‌داند و هر ملتی خود را مسوول اعمال و سوءرفتارهای گذشتگان می‌شمارد. این امر حتی در مورد حکومت‌های انقلابی هم، که ممکن است زیر بار معاهدات حکومت‌های پیشین نروند، صادق است. زمانی که ناپلئون بناپارت حکومت فرانسه را در دست گرفت، گفت: مسوولیت هر آنچه را که فرانسه از زمان شارلمانی تا دوران حکومت وحشت روبسپیر انجام داده، بر عهده می‌گیرم؛ به عبارت دیگر، چون عضوی از این ملت و نمایندهٔ این اجتماع سیاسی‌ام، تمام این‌ها به نام من انجام شده است. به این معنا، ما همواره در برابرگناهان پدران خود مسوولیم، همان‌طور که از ثمرهٔ شایستگی‌های آن‌ها نیز بهره‌مند می‌شویم؛ اما سوءرفتار آن‌ها ما را، به صورت اخلاقی یا حقوقی، گناهکار نمی‌کند و اعمال آن‌ها را نیز نمی‌توانیم به شایستگی‌های خود نسبت دهیم.

● مسوولیت جمعی در قبال اجتماع همواره سیاسی است، خواه در شکل قدیمی‌تر خود که کل جامعه مسوولیت هر آنچه را که یکی از اعضای آن انجام داده، بر عهده می‌گیرد، خواه جامعه‌یی که در برابر آنچه به نام او انجام شده، مسوول به‌شمار می‌رود.



آن ماجراجو، آن مرد خیر و آن کوهنورد افسانه‌یی کی بود؟

● ۱۱ جنوری، دوازدهمین سالروز درگذشت سر ادmond هیلاری، اولین فاتح قله اورست است. سیر ادmond هیلاری، کوهنورد اهل زلاندنو، اولین کسی بود که در ۲۹ می ۱۹۵۳ همراه با تنزینگ نورگی، راهنمای نیپالی، به قله ۸۸۵۰ متری اورست صعود کرد. او از آن زمان به بعد زندگی‌اش را وقف کمک به راهنماهای (شرپا) ناحیه کومبوی نیپال کرد. وی در سال ۲۰۰۳ شهروند افتخاری نیپال شد. نخست وزیر وقت زلاندنو در هنگام درگذشت هیلاری در مورد او گفته بود: «این ماجراجو، این مرد خیر و این کوهنورد افسانه‌یی معروف‌ترین زلاندنوی است که تاکنون زیسته است.» سیر ادmond در ۱۹ جنوری ۱۹۱۹ در اوکلند به دنیا آمد و در جریان جنگ جهانی دوم خلبان نیروی هوایی بود. در دهه ۱۹۸۰ او سفیر زلاندنو در هند بود.

دانش و تکنالوژی

معرفی ۱۰ موبایل قدرتمند و برتر اندرویدی دنیا

● به‌تازگی لست ۱۰ موبایل قدرتمند و برتر اندرویدی بنچمارک آنتوتو منتشر شده که انتهای بازه آن ماه جنوری سال ۲۰۱۸ است. این لست بر اساس تمام مدل‌هایی است که بیش‌ترین امتیاز را در این بنچمارک کسب کردند. این لست را باید جدیدترین آمار موبایل‌های اندرویدی پس از به‌روزرسانی نرم‌افزار بنچمارک آنتوتو به نسخه ۷.۰.۱ دانست. این لست مختص موبایل‌های اندرویدی بوده و نامی از آی‌فون‌های اپل در آن نخواهد یافت.



قبل از آن که پرچم‌داران مجهز به تراشه اسنپدراگون ۸۴۵ (و یا اگزینوس ۹۸۱۰ که قدرتی بیش از پرچم‌دار کوالکام دارد) مانند گلکسی S۹، اکسپریا XZ۲ و یا ایسوس ذن‌فون ۵ معرفی شوند، آی‌فون‌های سال ۲۰۱۷ با تراشه اپل A۱۱ توانسته بودند صدر جدول بنچمارک آنتوتو را به تصرف خود درآورند، اما اکنون رقبای اندرویدی با تراشه جدیدشان به صدر جدول رسیده‌اند (به دلیل محدودیت بازه زمانی تعیین شده در این لست حضور ندارند).

برترین موبایل اندرویدی حال حاضر با امتیاز ۲۱۴۵۸۰ اسمارت‌فونی نیست جز هواوی میت ۱۰ پرو؛ دیوایسی که با بهره‌مندی از تراشه کایرین ۹۷۰ مجهز به هوش مصنوعی، هم قدرت و هم کارایی را به کاربر هدیه می‌کند. جایگاه دوم نیز نصیب محصولی دیگر از هواوی و همین سری با نام هواوی میت ۱۰ شده است!

این گجت توانسته با همان پردازنده و کسب امتیاز ۲۱۲۸۴۱ پشت سر برادر مدرن‌ترش قرار گیرد. در کمال تعجب مکان سوم نیز متعلق به اسمارت‌فونی از هواوی یعنی آئر ۷۱۰ بوده که آن هم از تراشه کایرین ۹۷۰ بهره‌مند است. این گجت نیز توانسته امتیاز بسیار عالی ۲۱۲۵۵۷ را به‌دست آورد. هواوی با شاهکارهای سال ۲۰۱۷ خود صدر جدول آنتوتو را قبضه کرده است، اما این پایان کار نبوده و محصولی دیگر از شرکتی چینی با نام وان‌پلس ۵ توانسته با تراشه اسنپدراگون ۸۳۵ امتیاز ۲۱۱۲۹۲ را کسب کند تا جایگاه چهارمی را از آن خود کند.

پشت سر این موبایل برادر هم‌نام و جوان‌ترش یعنی وان‌پلس ۵T قرار دارد که به امتیاز ۲۱۰۱۳۴ نایل شده است. تا این جای کار ۵ موبایل برتر اندرویدی را چینی‌ها به تصاحب خود درآوردند.

با ادامه لست متوجه می‌شویم که موبایل چینیایی دیگری به‌نام زدتی‌ای نوبیا Z۱۷S که آن هم از تراشه اسنپدراگون ۸۳۵ بهره می‌برد، توانسته با کسب امتیاز ۲۰۸۹۲۲ رتبه ششم را از آن خود کند. پس از آن موبایل پرچم‌دار شیایومی Mi ۶ جایگاه هفتم را از آن خود کرده است. این دیوایس با تراشه اسنپدراگون ۸۳۵ توانسته به‌طور میانگین امتیاز ۲۰۶۵۷۱ را به‌دست آورد.

رده هشتم نیز نصیب محصول دیگری از همین کمپنی یعنی شیایومی Mi Mix ۲ شده که توانسته نمره قابل قبول ۲۰۵۲۰۶ را کسب کند.

بالاخره اثری از کهکشانی‌های سمسونگ در این لست رویت شده و گلکسی نوت ۸ را می‌بینیم که جایگاه نهمی را به‌خود اختصاص داده است.

گلکسی S۸ پلس نیز رتبه دهم را به‌دست آورده تا سمسونگ حداقل دوماه در انتهای این لست داشته باشد. نکته جالب این لست عدم حضور حتی یک اسمارت‌فون از ال‌جی، سونی و یا اچ‌تی‌سی بوده است! انتظار داریم پرچم‌داران جدیدی که در نمایشگاه MWC معرفی شدند با ورود رسمی خود به بنچمارک آنتوتو، لست ماه فبروری را دگرگون کرده و تغییراتی اساسی در این جدول ببینیم.

مدیت

madanyatdaily.com

معلومات

● سال دهم ● شماره ۶۷۹ ● دوشنبه ۲۲ جدی ۱۳۹۹

۶

چند نکته درباره قله اورست

● تهیه و گردآوری: هما عمر



دارد که شما در چه کشوری زندگی می‌کنید. چین ارتفاع اورست را ۸۸۴۴ متر عنوان می‌کند، درحالی که نیپال مدعی است که ارتفاع اورست ۸۸۴۸ متر است. دلیل ارتفاع کمتر در منابع چین این است که معیار آن‌ها برای ارتفاع قله، تنها سنگ بوده و مقدار یخ روی قله را جزو ارتفاع محاسبه نمی‌کنند. با این حال مجامع بین‌المللی، برف روی قله را نیز جزو ارتفاع آن محاسبه می‌کنند. در سال ۲۰۱۰ نیز، چین و نیپال به این توافق رسیدند که ارتفاع اورست را همان ۸۸۴۸ متر در نظر بگیرند.

● نام اورست چیست؟

مرتفع‌ترین قله دنیا در دنیا اورست خوانده می‌شود، اما تبتی‌ها به این قله «قوملانگما» می‌گویند. این نام به معنی «زندگی الهه مادر» می‌باشد. اما اورست فقط این دو نام را ندارد. به‌طور مثال، در نیپال «ساگارماتا» به معنی «پیشانی آسمان» نام دارد که این نام پارک ملی نیپال است که اورست در آن واقع شده. اما «اورست» نام خود را از اولین کاشف خود که مردی بریتانیایی به نام «جرج اورست» بود گرفته است.

● هزینه صعود به اورست

صعود به اورست چیزی حدود چند هزار دالر هزینه دارد، اما هر روز به تعداد کسانی که قصد فتح اورست را دارند افزوده می‌شود. در سال ۲۰۱۲، رالف دایموویتس، کوهنورد آلمانی، عکسی را منتشر کرد که در آن صف افراد درحال صعود به اورست را نشان می‌داد. البته این صف دراز که رالف آن را به تصویر کشیده بود، به دلیل اوضاع نامساعد جوی از فتح قله بازماند. ۱۹ می ۲۰۱۲ روزی بود که افراد صعودکننده به قله باید در صفتی ۴ ساعته به انتظار می‌نشستند. در این روز بیش از ۲۳۴ نفر خواهان صعود به قله بودند. البته ناگفته نماند که از این افراد صعودکننده، ۴ نفر به دلیل عدم احتیاط در گذرگاه‌های صعب‌العبور، جان خود را از دست دادند.

● قدمت ۴۵۰ میلیون ساله

اگرچه رشته کوه هیمالیا ۶۰ میلیون سال پیش شکل گرفته است، اما تاریخ آن قدمتی بیش از این دارد. ۴۵۰ میلیون سال قبل و زمانی که سنگ‌آهک، قسمتی از لایه‌های رسوبی بوده است، اورست در زیر آب قرار داشته است. به مرور زمان، سنگ‌ها به هم نزدیک شده و رشدی معادل سالیانه ۱۱ سانتیمتر را تجربه می‌کنند. امروز، شما می‌توانید فسیل‌هایی مربوط به موجودات دریایی را در قله اورست پیدا کنید. در سال ۱۹۲۴، نوئل اودل با کشف نخستین فسیل‌های موجودات دریایی در اورست، این مساله را کشف کرد. اولین نمونه سنگ‌های بام دنیا را نیز برای اولین بار یک گروه سوئیسی در سال ۱۹۵۶ با خود به همراه آوردند.

● ارتفاع اورست چند متر است؟

ارتفاع دقیق قله اورست چند متر است؟ این بستگی

● در اورست هم نظافت را رعایت کنید

حتماً عکس‌های فراوانی از اورست دیده‌اید که زیبایی و شکوه آن را از زوایای مختلف به نمایش گذاشته‌اند، اما روی دیگر این زیبایی و شکوه جایی است که کوهنوردان زباله‌های خود را در کوه رها کرده‌اند. بر اساس یک آمار تقریبی، حدود ۵۰ تن زباله رها شده در اورست وجود دارد که هر روز و با صعودهای جدید بر حجم آن افزوده می‌شود.

در دامنه اورست حجم عظیمی از کیسول‌های اکسیژن و تجهیزات کوهنوردی وجود دارد که صعودکنندگان آن‌ها را در کوه رها کرده‌اند. از سوی دیگر، اورست مملو از جنازه صعودکنندگان ناکام است که به دلیل صعب‌العبور بودن آن مناطق، امکان انتقال این اجساد وجود ندارد. حتی در میان این اجساد، جنازه افرادی که به عنوان راهنمای گروه بوده‌اند نیز مشاهده می‌شود.

البته از سال ۲۰۱۴ دولت نیپال قوانینی درباره صعود به اورست وضع کرده که طی آن افراد صعودکننده، هنگام بازگشت باید حداقل ۸ کیلوگرام زباله را با خود به پایین قله بیاورند.

● اورست هنوز رشد می‌کند

ممکن است اندازه‌گیری صورت گرفته توسط نیپال و چین معیار درستی برای ارتفاع اورست نباشد. در سال ۱۹۹۴ محققان دریافتند که اورست به‌طور متوسط سالیانه ۴ میلیمتر رشد می‌کند. همانطور که صفحه‌های زمین همچنان درحال حرکت هستند، اورست نیز به رشد خود ادامه می‌دهد. در سال ۱۹۹۹ محققان آمریکایی تجهیزاتی را بر روی اورست نصب کردند که امکان مشاهده این تغییرات را می‌داد. آن‌ها در حال گسترش تحقیقات خود هستند تا ثابت کنند که ارتفاع قله اورست درحال حاضر ۸۸۵۰ متر است.

● اورست بلندترین قله دنیا نیست

«مائونا کیئا» قله آتشفشان غیرفعال هاوایی، ۴۲۰۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. اما باید بدانید که ۶۰۰۰ متر از این کوه در زیر آب قرار دارد. اگر معیار اندازه‌گیری را کف اقیانوس قرار دهیم، ارتفاع این قله حدود ۱۰۲۰۳ متر خواهد بود که حدود ۱۷۰۰ متر از اورست بلندتر است.

بد نیست بدانید که اورست، بلندترین نقطه کره زمین هم نیست. آتشفشان خاموش «چیمبورازو» در اکوادور ۶۲۶۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، اما این معیار ربطی به بلندترین نقطه جهان ندارد. کره زمین در برخی از مناطق خود دارای پوسته ضخیم‌تری است و به همین دلیل اکوادور نسبت به نیپال، فاصله بیشتری با مرکز زمین دارد. اگر از این نقطه نظر به مرتفع‌ترین نقطه زمین نگاه کنیم، اورست بلندترین نقطه زمین نخواهد بود.

ویک یخچال بزرگ نیز بالای سلسله کوه واخان قرار دارد.

در قسمت غربی هندوکش به خصوص در کوه‌های شمالی آن، تعداد زیادی فرورفتگی مربوط به دریاچه‌های یخچالی مشاهده می‌شود.

اهمیت یخچال‌های افغانستان در این است که بسیاری از رودخانه‌های شمال شرقی این کشور را تغذیه می‌کنند.

● بلندترین قله کوه در افغانستان

قله نه‌شاخ یا قله نوشاخ، بلندترین قله کوه در افغانستان و دومین قله بلند مستقل رشته کوه هندوکش می‌باشد که ۷۴۹۲ متر بالاتر از سطح آب دریا واقع شده‌است. کوه نوشاخ در پارک ملی واخان در ولسوالی واخان قرار دارد. دامنه شمالی و غربی آن در خاک افغانستان و دامنه جنوبی و شرقی آن در خاک پاکستان واقع شده‌است.

صعودها

نخستین بار یک گروه کوهنوردی جاپانی در سال ۱۹۶۰ به این قله صعود کرد. توشیایکی ساکای و گورو ایوانوسوبو از این گروه به قله رسیدند. نخستین افغان‌ها (ملنگ دریا) و (گرگ علی) نیز در سال ۲۰۰۹ به این قله رسیدند. اولین زن افغان هم حنیفه یوسفی بود که در ۲۴ سالگی پس از پس از ۲۱ روز کوه‌نوردی، موفق به فتح قله نوشاخ شد.

کوه‌نوردی در افغانستان

● بیش از ۸۰ درصد مساحت افغانستان را رشته کوه‌های «هندوکش»، «کوه بابا»، «سپاه کوه»، «سفید کوه» و برخی کوه‌های دیگر شکل داده است.

بیشتر کوه‌های افغانستان، در مرکز، شرق و شمال شرقی این کشور واقع شدند که اکثر این مناطق در زمستان‌ها هوای سردی دارند و بارندگی بیشتر به شکل برف است.

رشته کوه‌های عظیم و صعب‌العبور هندوکش که تا شبه قاره هند امتداد یافته و همچنین رشته کوه «هیمالیا» در گوشه شرقی افغانستان که به کوه‌های «پامیر» و هندوکش می‌پیوندند و رشته کوه‌های جانبی هندوکش، افغانستان را سرزمینی کاملاً کوهستانی کردند.

«محمد عظیم عظیمی» در کتاب، «اکتوریسم در افغانستان» آورده است که: مطابق یک اصل بوم‌شناسی هر اندازه پستی و بلندی یا چین و شکستگی منطقه‌ای بیشتر باشد، «تنوع زیستی» یعنی گوناگونی جانوران و گیاهان آن منطقه بیشتر خواهد بود و به همین علت است که گونه‌های بسیار متنوع جانوری و گیاهی را در کوه‌ها و صخره‌ها مشاهده می‌کنیم.

برخی از گونه‌های گیاه در سمت سایه‌گیر صخره‌ها

و برخی در سمت آفتاب‌گیر رشد می‌کنند، پاره‌ای دیگر در ارتفاعات بلندتر و سردتر قابلیت رویش دارند.

طبق نوشته عظیمی، در افغانستان هرچه از شرق به سمت غرب برویم از ارتفاع کوه‌ها کاسته شده و کوه‌های مرتفع به تدریج جای خود را به دره‌های عمیق، فلات‌های خالی از درخت و دشت‌های باد رفته و سوزان می‌دهند اما در مرکز کشور تا چشم کار می‌کند کوه است و کوه، و دره‌های عمیق و ژرف که روزهایی شفاف و شب‌هایی به شدت سرد را دارند.

حتی گذرگاه‌های این سرزمین در برخی مناطق دارای ارتفاعی بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا است. قله‌های هندوکش در جهان به عنوان «قله‌های بلند با ضرب سستی بالا در آسیا» شناخته می‌شوند.

کوه‌های یخچالی از دیگر جاذبه‌های افغانستان محسوب می‌شود، که اکثر این کوه‌ها در شمال شرقی افغانستان قرار دارند. خط برف در این نقاط از ارتفاع ۵۰۰۰ متر نیز عبور می‌کند.

یک سلسله یخچال در مرز جنوبی «واخان» در امتداد سلسله کوه‌هایی که رود «پنج» را از سمت جنوب احاطه کردند تا ارتفاع ۶۰۰۰ متر قرار گرفتند



پارلمان لیبی: از ترکیه دستور نمی گیریم

● به دنبال نشر گزارش‌ها مبنی بر این که پارلمان لیبی فرستاده‌ی را به ترکیه اعزام کرده، رییس پارلمان این کشور، اعزام این فرستاده را به انقراض رد کرد. عقیده صالح رییس مجلس لیبی در مصاحبه با العربیه تاکید نمود که پارلمان این کشور از کسی دستور نمی گیرد. «ما از ترکیه یا دیگر کشورها تکدی نکرده و دستور نمی گیریم.» او با تأکید بر این که از برقراری ارتباط با کشورهای فعال در حل بحران لیبی دریغ نخواهد کرد، افزود: بدون این که به حاکمیت و ثبات لیبی ما لطمه وارد شود، تماس خود با ترکیه را از طریق اعزام فرستاده ویژه کاملاً نفی می کند.

سازمان عفو بین الملل: علی خامنه‌یی با جان میلیون‌ها نفر بازی می کند

خبرهای منطقه

● پس از فرمان علی خامنه‌یی، رهبر ایران مبنی بر ممنوعیت خرید واکسن آمریکایی و بریتانیایی، سازمان عفو بین الملل نسبت به این اظهارات واکنش نشان داد.



به گزارش شبکه خبری

العربیة، سازمان عفو بین الملل با نشر اعلامیه‌یی در صفحه توئیتر خود اعلام کرد: «مصونیت در برابر ویروس کووید ۱۹ و دسترسی به واکسن حق طبیعی هر انسانی است و فرمان علی خامنه‌یی مبنی بر ممنوعیت خرید واکسن ساخت بریتانیا و آمریکا، بازی با جان میلیون‌ها ایرانی و شرم‌آور است.»

این سازمان افزوده است: «هر انسانی حق دارد از اقدامات محافظتی در مقابل ویروس کرونا بهره‌مند شود و واکسن‌هایی که امن بودن و موثر بودن آن‌ها اثبات شده نقش کلیدی در تحقق این امر دارد. هیچ کس نباید بر اساس هویت، محل سکونت یا سطح درآمد از دسترسی به مراقبت‌های صحی از جمله واکسن محروم شود.»

در همین حال، مایکل رایان، مدیر اجرایی برنامه فوریت‌های سلامت سازمان صحی جهانی هم در واکنش به ممنوع شدن واردات واکسن‌های کرونای آمریکا و بریتانیا به دستور رهبر ایران گفته است: «این سازمان بارها تاکید کرده که کرونا را سیاسی نکنید و حالا هم می گویم لطفا ماجرای واکسن را سیاسی نکنید.»

شرکت‌های داروسازی آمریکا و بریتانیا، از تولیدکنندگان سه واکسنی هستند که پیش از دیگران مجوز سازمان صحی جهانی را دریافت کرده‌اند و استفاده از آن‌ها در بسیاری از کشورها آغاز شده است.

واکسن کرونای بیون-تک-فایزر محصول مشترک دو شرکت آلمانی و آمریکایی نخستین واکسنی است که مجوز گرفته و تاکنون میلیون‌ها نفر در کشورهای مختلف دوز اول آن را دریافت کرده‌اند.

پیش از این، مسؤولان ارشد ایران که به دلیل تعلل در تلاش برای خرید واکسن با اعتراض شدید افکار عمومی و شهروندان روبرو بودند، مدعی شدند که برای خرید ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکسن از طریق سازوکار سازمان صحی جهانی برای توزیع عادلانه واکسن کرونا قرار داد کرده‌اند.

پس از سخنان علی خامنه‌یی سخنگوی جمعیت هلال احمر ایران اعلام کرد که ۱۵۰ هزار دوز واکسن اهدایی شرکت فایزر از سوی خیرین ایرانی، منتهی است.

عراق از تحریم رهبر بسیج مردمی توسط آمریکا غافل گیر شد

● وزارت خارجه عراق اعلام کرد که تحریم رهبر سازمان بسیج مردمی (حشد الشعبی) توسط ایالات متحده آمریکا غیرمترقبه و غافل گیر کننده بود. به گزارش شبکه خبری العربیه، وزارت خارجه عراق روزشنبه (۲۰ جدی) با صدور



اعلامیه‌یی عنوان کرد که این تصمیم آمریکا یک امر غیرمترقبه و پذیرفتنی نیست. وزارت خارجه عراق همچنان تاکید کرد که تمام مصوبات صادر شده توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه افراد عراقی را به گونه دقیق با دولت کنونی و جدید واشنگتن پی گیری کرده و برای رفع عواقب آن تلاش خواهد کرد.

با این همه، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، شامگاه روز جمعه (۱۹ جدی) تحریم‌هایی را علیه الفیاض اعمال کرد که در ارتباط با نقض حقوق بشر و تسهیل حملات تروریستی است.

این وزارت در اعلامیه‌یی افزوده که رهبر بسیج مردمی عراق، بخشی از یک هسته بحران متشکل از رهبران شبه‌نظامیان حشد الشعبی است که در اواخر سال ۲۰۱۹ برای سرکوب اعتراضات در کشور با حمایت سپاه پاسداران ایران، تشکیل شد. خزانه‌داری آمریکا همچنان جناح‌های حشد الشعبی طرفدار ایران را به ادامه موج ترور علیه فعالانی متهم کرد که خواستار انتخابات آزاد و عادلانه، احترام به حقوق بشر، دولت پاک و به دور از فساد هستند.

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز الفیاض را به شرکت در کشتار تظاهرکنندگان متهم کرده و گفت: «فالح الفیاض و سایر تندروها و سیاستمداران متحد با تهران، کشتار معترضان مسالمت‌جوی عراقی را هدایت کرده و بر آن نظارت می کردند و لشکرکشی خشونت‌باری را علیه دموکراسی عراق و جامعه مدنی آغاز کردند.»

این در حالی است که الفیاض روز جمعه نیز به نوبه خود، خواستار خروج نیروهای آمریکایی شد و او در سخنانی گفت: «خروج آن‌ها از عراق، این کشور را از حقیقت استقلال از کنترل اشغال‌گران برخوردار می‌سازد.»

سقوط یک هواپیمای مسافری در اندونیزیا با بیش از ۶۰ مسافر

● یک طیاره مسافری با ۶۲ سرنشین لحظاتی پس از پرواز از میدان هوایی جاکارتا در اندونیزیا به دریا سقوط کرد.



به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، مقام‌های اندونیزیایی گفته‌اند که این هواپیمای به شرکت هواپیمایی «سریویجایا ایر» از نوع بوئینگ-۷۳۷ بوده که مقصد پرواز آن ولایت کالیمانتان غرب اندونیزیا بوده است.

وبسایت Flightradar ۲۴.com می گوید این هواپیمای در کمتر از یک دقیقه سه کیلومتر از ارتفاع، خود را از

دست داد. شاهدان عینی گفته‌اند که دست کم صدای یک انفجار را شنیده‌اند.

یک ماهی گیر به بی‌بی‌سی افزوده، شاهد آن بوده که هواپیمای در آب فرو رفته و در آنجا منفجر شده است.

نیروی دریایی اندونزی نیز گفته که مختصات مکان هواپیمای را دارد و تیم‌های جستجوی دریایی به آن محل اعزام شده‌اند.

شماری از ساکنان جزیره لانکانگ در نزدیکی محلی که این هواپیمای ناپدید شده، گفته‌اند اشیایی را پیدا کرده‌اند که تصور می‌شود متعلق به هواپیمای باشد.

شرکت هواپیمایی داخلی سریویجایا ایر بیان کرده که در حال جمع‌آوری اطلاعات در این باره است. گفته شده که این هواپیمای آخرین بار در ساعت ۲:۴۰ دقیقه به وقت محلی اندونیزیا تماس داشته است.

در همین حال، یک روز پس از سقوط این هواپیمای، نیروی دریایی اندونزی محل سقوط آن را شناسایی کرده است. مقام‌های اندونزیایی می گویند که محل سقوط یک هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ که روز شنبه به فاصله کوتاهی بعد از پرواز از میدان بین‌المللی جاکارتا در دریا سقوط کرد، را یافته‌اند.

اخراج بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سوی ایران فراتر از نقض برجام است

● وزارت خارجه آمریکا می گوید که تهدید ایران مبنی بر اخراج بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «فراتر از نقض برجام» است.

به گزارش ایران اینترنشنال، وزارت خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌یی تهدید ایران برای اخراج آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را فراتر از نقض برجام دانسته و تاکید ورزید که تهران طبق توافق نامه «ان پی تی» که به بازرسان اجازه دسترسی می‌دهد، نقض این تعهدات فراتر از برجام خواهد بود.



این بیانیه با اشاره به مصوبه مجلس شورای اسلامی

برای اخراج بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صورت رفع نشدن تحریم‌ها، افزوده که بار دیگر رژیم ایران از برنامه هسته‌یی خود برای باج‌گیری از جامعه جهانی و تهدید امنیت منطقه استفاده کرده است.

در بیانیه وزارت خارجه آمریکا آمده است: «نه تنها ایالات متحده، بل همه کشورها پیروی ایران از تعهداتش را مهم می‌دانند. بازی هسته‌یی موقعیت ایران را بالا نمی‌برد، بل به انزوا و فشار بیشتر منجر خواهد شد.»

وزارت خارجه آمریکا با اشاره به افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران اضافه کرد که بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان نباید اجازه غنی‌سازی اورانیوم در هیچ سطحی را داشته باشد.

وزارت خارجه آمریکا با بیان این که ایالات متحده از نظارت حرفه‌یی و مستقل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر برنامه هسته‌یی ایران پشتیبانی می‌کند، تاکید ورزید که اخراج بازرسان بین‌المللی باید با محکومیت جهانی مواجه شود.

از سوی دیگر، مورگان اورتگاس سخنگوی وزارت

تاکید آلمان به اتحاد اروپا و آمریکا برای طرح مارشال دموکراسی

● پس از رویدادهای خشونت‌بار بر ساختمان کنگره آمریکا، وزارت خارجه آلمان از اتحادیه اروپا و آمریکا خواست که برای «طرح مارشال دموکراسی» متحد شوند.

به گزارش یورونیوز، هایکو ماس وزیر خارجه آلمان روز شنبه (۲۰ جدی) به دنبال رویدادهای خشونت‌بار هفته گذشته در ساختمان کنگره آمریکا، خواستار اتحاد میان آمریکا و اروپا برای اجرای طرحی شد که وی آن را طرح مارشال برای دموکراسی عنوان کرد.

وزیر خارجه آلمان با اشاره به رویدادهای هفته گذشته در کنگره آمریکا که به مرگ ۴ معترض و ۱ پولیس انجامید، به خبرگزاری DPA آلمان گفت: «ما نباید به دشمنان لیبرال دموکراسی مجال و فضا بدهیم. این نه تنها در ایالات متحده که در آلمان و اروپا نیز صدق می‌کند.»



وی افزود: «ما آماده همکاری با آمریکا در زمینه طرح مشترک مارشال برای دموکراسی هستیم.» آقای ماس به جزئیات این طرح اشاره نکرد اما با این حال گفت از اظهارات رییس‌جمهور تازه منتخب آمریکا جو بایدن برای ایجاد «شبکه‌یی از کشورهای دموکراتیک» استقبال می‌کند.

وزیر خارجه آلمان با اشاره به این که فرانسه و آلمان متحده برای بازسازی کشورهای اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم است. آمریکا در این طرح با اختصاص ۱۲ میلیارد دلار به ۱۸ دموکراسی جنگ‌زده اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند و در عین حال، سدی در برابر نفوذ و گسترش کمونیسم بسازند. آلمان غربی از جمله کشورهایی بود که بیشترین نفع را از این طرح کسب کرد.

● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: سید اصغر اشراق ۰۷۹۴۱۱۵۵۴ / eshraqsayed@gmail.com

● سردبیر: فرشته حسینی / تحلیل گر ارشد: مجیب‌الرحمن اتل

● ویراستار: سامعه درویش و هما عمر / نویسندگان: بکتاش روش، سمیه نوروزی، فرزاد عنایت، زهرا تارشی، الهه موسوی و زهرا یزدان‌شناس

● گزارشگران: معصومه امیری، سید مهدی حسینی، مرتضی پژواک و نجمه رسا / مترجم: شریفه عرفانی / صفحه‌آرا: مینگ‌باشی

● مسوول بازاریابی: ضمیرخان وفا - ۰۷۹۳۸۴۵۵۵۵ / هماهنگی خبر و گزارش: ۰۷۹۰۲۹۵۵۲۹

● چاپ: مطبعه چشمه / توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ / توزیع در ولایات: میدان وردک، بامیان، غزنی، پروان، غور و دایکندی

● دفتر: کارته سه / به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.



روزنامه‌یی برای حقوق شهروندی



● لیونل مسی سال ۲۰۲۱ را با درخشش و بهترین شروع ممکن آغاز کرده است. او در سه بازی سال جدید میلادی برای بارسلونا چهار گل به ثمر رسانده و از زمان حضور در تیم اصلی بارسا این دومین شروع عالی او به حساب می‌آید. وی در دیدار مقابل گراناادا دو گل زد تا ۲۰۲۱ را به دومین شروع عالی گلزنی‌اش تبدیل کند. البته او سال ۲۰۱۶ را با زدن ۵ گل تا قبل از ۱۰ جنوری آغاز کرده و این دومین شروع خوب او به شمار می‌آید مسی در نخستین بازی سال مقابل هوستاکا و در جدال با بایلیانو در هر بازی یک گل زد و با دبل دیشبش برابر گراناادا تعداد گل‌های خود در فاصله ۱۰ روز نخست سال به عدد چهار رساند. لیونل مسی با دو گلی به گراناادا زد، همچنین تعدادی گل‌هایش در این فصل لالیگا را به عدد ۱۱ رساند و در جدول گلزنان قرار گرفت.

ترجمه

ایالات متحده به برگزاری اجلاس دموکراسی در داخل کشور نیاز دارد

دستور کار سیاست خارجی بایدن وابسته به تجدید نظرها در سیاست داخلی است

● ترجمه: شریفه عرفانی

منبع: فارین افروز
نویسندگان: جمیز گولدگریبر
و بروس دبلیو. جنتلسون

● گویی دقیقاً صحنه‌یی از فلمی در ژانر دیستوپیی باشد. شورشیانی به تحریک رییس‌جمهور مغلوب آمریکا، درحالی که پرچم‌های کنفدراسیون و ترمپ را به اهتزاز درآورده بودند، با درهم شکستن سد نیروهای محافظ کنگره وارد ساختمان شدند.

درک این صحنه‌ها در قلب دموکراسی آمریکا دشوار بود، با این وجود با توجه به ماهیت ریاست جمهوری دونالد ترمپ و فعالان جمهوری خواه وی، چنین رویدادی در پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری وی چندان هم دور از انتظار نبود. جو بایدن ظهر ۲۰ جنوری با شعار امیدوارانه «امریکا به جای خود بازگشت» در سمت ریاست جمهوری کار خود را آغاز خواهد کرد، اما رییس‌جمهور جدید با جهانی روبه‌روست که درباره صلاحیت کشوری که از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون خرقه رهبری جهان را بر تن داشته، دچار شک و تردیدهایی جدی است.

با وجود این که متحدان ایالات متحده در ناتو و آسیا از اینکه یک انترنشنالیست متعهد بار دیگر رهبری ایالات متحده را به عهده می‌گیرد، احساس خرسندی می‌کنند، اغتشاشی که این هفته کپیتال هیل شاهد آن بود، بر نظراتی که قبلاً در این صفحات بیان کردیم -اینکه رهبری جهانی حق امریکایی نیست و برنامه بایدن برای میزبانی «اجلاس جهانی برای ایجاد دموکراسی» بیشتر از اینکه منفعتی برای جهان داشته باشد به مشکلات آن دامن می‌زند- صحه می‌گذارد.

پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده پیام‌های حمایتی از متحدان دریافت کرد و ناتو

● رهبری جهانی حق امریکایی نیست و برنامه بایدن برای میزبانی «اجلاس جهانی برای ایجاد دموکراسی» بیشتر از این که منفعتی برای جهان داشته باشد به مشکلات آن دامن می‌زند



برای اولین بار از مقررات امنیت جمعی خود، ماده ۵ استفاده کرد. در این هفته متحدان از شوک و وحشت حرف می‌زنند. از همه مهم‌تر، هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان در تویییتی نوشت: «دشمنان دموکراسی با دیدن این تصاویر باورنکردنی از #واشننگتن‌دی‌سی خوشحال خواهند شد.» در سال‌های اخیر هیچ کدام از دموکراسی‌های غربی چنین خشونت سیاسی‌یی را تجربه نکرده‌اند.

روز چهارشنبه، بایدن اعلام کرد «نجابت، احترام، تحمل؛ این همان چیزی‌ست که ماییم، همان چیزی که همیشه بوده‌ایم.» این کشور مطمئناً آرزوی این ارزش‌ها را داشته و به زودی بار دیگر رییس‌جمهوری خواهد داشت که به این ارزش‌ها باور دارد، اما در واقع امریکایی‌ها همیشه هم شایسته، محترم و بردبار نبوده‌اند. کسانی که به کنگره حمله کردند، مانند واقعا انگلیس در سال ۱۸۱۴، افراد خارجی نبودند. آن‌ها امریکایی بودند، که توسط یک رییس‌جمهور در شرف برکناری و اعضای کنگره پشتیبانی می‌شوند، حتی یکی از نمایندگان با بالابردن مشت گره‌کرده‌اش، به جمعیتی که درحال هجوم به محل کارش بودند، ادای احترام کرد.

کنگره دوباره تشکیل جلسه داد و آرای انتخاباتی را تأیید نمود، اما همان‌طور که سناتور جاک شومر، دموکرات نیویارک گفت: «این یک لکه ننگی برای کشور ما خواهد بود و به راحتی پاک نخواهد شد.»

در واقع، این تنها لکه ننگ سال‌های اخیر در امریکا نیست. در همان روز، یک عضو سابق کوکلاکس کلان، ایالت جورجیا را در پی برد رافنسپرگر وزیر داخلی این ایالت، زبرو رو کرد. در اواسط ماه دسامبر، «پسران مغرور» به واشنگتن رفتند. اف.بی.آی نقشه ربودن گرتچن ویتمر فرماندار میشیگان را در ماه اکتوبر نقش برآب کرد. با وجود تمرکز کامل فکس نیوز، نظریه توطیبه راست افراطی امریکایی (QAnon) و دیگران بر «طرف عرضه»، «طرف تقاضا» اهمیت بیشتری دارد. همان‌طور که روزنامه‌نگار چارلی وارزل تأکید می‌کند، «میلیون‌ها امریکایی فعالانه به دنبال به محکمه کشیدن توطیبه‌ها و ایدیالوژی‌های خشن و رادیکال هستند، تا جهانی را که به آن اعتماد ندارند، درک کنند.» محققان ناسیونالیزم سفیدپوست و شبه نظامیان هشدار می‌دهند که حوادث روز چهارشنبه در نوع خود منحصر به فرد نبوده است. و همان‌طور که سیوارد داری، نویسنده کتابی در مورد زنان در جنبش ملی‌گرایی سفید، هشدار می‌دهد، «شکست یک کودتا، به معنای شکست کودتای بعدی نیست.» تیم بایدن نباید اجلاس بین‌المللی برای برقراری دموکراسی برگزار کند، بل باید نشست داخلی برگزار کند که رهبری سیاسی کشور را مجدداً به نهادهای سیستم و تلاش‌ها در راستای غلبه بر بی‌عدالتی و نابرابری متعهد کند.

چنین تلاشی می‌تواند گروهی بی‌پارتیزان متشکل از رهبران کنگره، فرمانداران و شهرداران را گرد هم آورد تا تعهد خود را برای تجدید دموکراسی امریکایی اعلام کنند؛ از جمله اولویت‌های آن می‌توان به تدبیر برای اطمینان از اجرای قانون پیشبرد حقوق رای جان لوییسی، افزایش پاسخ‌گویی پولیس، محافظت از آزادی مطبوعات و مبارزه با اطلاعات نادرست اشاره کرد.

چنین اجلاسی فقط یک رویداد در واشنگتن نیست، بل تلاشی چند جانبه برای حل مساله است که مطابق با فدرالیزم ایالات متحده، تلاش برای جلب توجه عاملان ایالتی و محلی، در جوامع روستایی و همچنین شهرها و همچنین دخیل کردن جامعه مدنی است.

حتی اگر اکثریت دموکرات اکنون در هر دو مجلس کنگره حضور داشته باشد، برنامه سیاست خارجی بایدن به توانایی دولت وی به این بستگی دارد که به متحدان ایالات متحده و دیگران ثابت کند به اندازه کافی می‌تواند از یک انترناسیونالیزم قوی حمایت کند. روسای جمهور بیل کلینتون و باراک اوباما

هر دو کنگره‌یی دموکراتیک داشتند، اما دو سال اول در سیاست‌های خارجی خود محدود بودند. مواردی مانند تغییر اقلیم و پیش‌گیری از پاندمی، بایدن را مجبور به حمایت از ابتکاراتی مهم می‌کند. حتی اگر دموکرات‌ها بتوانند اکثریت‌های کم‌توان خود را حفظ کنند (چهار نماینده در مجلس، در مجلس سنا روی یک نفر هم نمی‌تواند حساب کند)، این لشکرکشی هنوز هم ابزاری قدرتمند است که میچ مک کانل، رهبر اقلیت سنا، میلی شدیدی به بهره‌برداری از آن دارد.

در این برهه از زمان، درخواست برای تقویت مبانی داخلی سیاست خارجی شاید ناخوشایند به نظر برسد؛ اما دیگر جای تردید نیست که تثبیت دموکراسی امریکایی در سطحی حتی عمیق‌تر از صدمه‌یی که ترمپ به آن وارد کرده، باید اساسی‌ترین دستور کار دولت جدید باشد.

پی‌نوشت:

- رابرت بوش همکار ارشد مهمان در موسسه بروکینگ و استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه امریکایی است.
- بروس دبلیوجنتلسون، یکی از معدود استادان برجسته ویلیام پرستون در زمینه سیاست عمومی دانشگاه دوک و یکی از مقامات سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده در دولت اوباما و کلینتون است.

ناظر جرم، شریک جرم است

● نویسنده: دنیس کلاین/آسو/عرفان ثابتی

● حدود ساعت ۳ صبح یکی از نخستین روزهای بهار سال ۱۹۶۴، کیتی جنووزه ۲۸ ساله مثل همیشه از می‌خانه محل کارش در نیویارک سیتی به خانه برگشت. پس از پارک موتر در تاریکی به طرف خانه رفت، اما ناگهان مهاجمی به او حمله کرد، از صحنه گریخت و پس از مدتی برگشت و دوباره به او تعرض کرد. جنووزه چند بار فریاد کشید و کمک طلبید. بعضی از همسایه‌ها بعدها گفتند که صدایش را شنیدند، اما هیچ‌یک به یاری او نشتافتند. سرانجام، مهاجم جنووزه را به حال خود رها کرد و او جان باخت.

روزنامه «نیویارک تایمز» ابتدا با این قتل مثل هر قتل دیگری برخورد کرد: جنووزه یکی از دیگر قربانیان حملات وحشیانه در خیابان‌های نیویارک بود، اما دو هفته بعد، گزارش این قتل در صفحه اول این روزنامه منتشر شد. پای هیچ کشف خبره‌کننده جدیدی در میان نبود، اما این بار چارچوب خبر فرق داشت: همسایه‌ها کجا بودند؟ چطور دل‌شان آمده بود بی‌رحمانه فریادهای قربانی‌یی که خواهان کمک بود نادیده بگیرند؟ در نتیجه آنچه ظاهراً چیزی جز یک قتل فجیع دیگر نبوده به پرونده قتل جنجالی تبدیل شد. نام جنووزه بر سر زبان‌ها افتاد و به پرونده‌یی مناقشه‌انگیز درباره ناظران و سکوت هم‌دستانه آن‌ها گره خورد.

ساکنان موبری، یک مجتمع مسکونی در ناحیه کوئینز در آن سوی سرک محل وقوع قتل، در وضعیت ناگواری قرار گرفتند؛ زیرا مجبور بودند که در برابر انتقادهای بین‌المللی از خود دفاع کنند. آن‌ها تأکید می‌کردند که ساعت سه صبح بوده و خواب بوده‌اند. افزون بر این می‌گفتند که پنجره‌ها را محکم بسته بودند تا از گزند سرما در امان بمانند. بعضی از آن‌ها ادعا کردند که حتی اگر به پولیس زنگ می‌زدند، پولیس واکنش نشان نمی‌داد و آن‌ها صرف یک قتل خیابانی دیگر می‌شمرد. اکنون مجرم‌شمردن ناظر جرم ریشه گرفته و پا دوانده است. به مرور زمان، شمار فزاینده‌یی از فعالان و اندیشمندان، بی‌درنگ از محکومیت ناظران جرم سخن گفته‌اند.

آبی هافمن، فعال اجتماعی امریکایی می‌گفت: «شما می‌پرسید: «تکلیف ناظران بی‌گناه چیست؟» اما ما در زمانه‌یی انقلابی به‌سر می‌بریم. اگر ناظرید، بی‌گناه نیستید.»

سخن گفتن از مسوولیت ناظران چنان رواج یافت که منتقدان را به مخالفت واداشت.

ویکتوریا بارت، نویسنده کتاب ناظران: وجدان و همدستی در دوران هولوکاست (۱۹۹۹) پرسید: «در پس سکوت چه نهفته است؟» به عبارت دیگر، او به طور ضمنی می‌گفت که سکوت ناظران معلول ترس یا حمایت از عامل جرم است.

با وجود این، اکنون پیش‌فرض غالب این است که ناظران جرم مسوولیت دارند. اکنون نوع‌دوستی حکم به مداخله می‌دهد تا مبادا دامن «آدم‌های شریف» به گناه آلوده شود. اکنون این را به‌عنوان نوعی اصل موضوعه پذیرفته‌اند که ناظران باید مداخله کنند و چنین کاری نمونه عالی رفتار مدنی است.

در سال ۱۹۳۵ یواخیم پرینز، یکی از رهبران جامعه یهودیان آلمان، یکی از نخستین نوشته‌ها در محکومیت ناظران خاموش را منتشر کرد. در آن زمان، پس از دوسال وقفه در یهودستیزی دولتی، نژادپرستی دوباره رو به اوج بود. قوانین بدنام نورمبرگ، که اندکی بعد در همان سال وضع شد، آپارتاید ملی را به قانون تبدیل کرد.

یهودیان، که اوضاع‌شان در دوران جنگ جهانی دوم بدتر شد، با شدتی یک‌سان به مهاجمان و تماشاچیان بی‌اعتراض می‌کردند.

در سال ۱۹۶۳، مارتین لوتر کینگ جونیور گفت که «هرچند کمک کردن و تسلی دادن به یک یهودی در آلمان هلتری «غیرقانونی» بود... اگر من در آن زمان در آلمان می‌زیستم به برادران یهودی‌ام کمک می‌کردم و به آن‌ها تسلی می‌دادم.»

در آن زمان، «لیبریتز»، نشریه تندروی سیاه‌پوستان اغلب به پیامدهای انفعال در دوران هولوکاست اشاره می‌کرد تا سیاهان را به کنش و فعالیت برانگیزد.

از نظر تاریخی، یهودیان اروپایی تصور نمی‌کردند که هرگاه همگی به خطر بیفتند، همسایگان‌شان از کمک به آن‌ها دریغ خواهند کرد. اشاره اوبرسکی به خیانت مهم است. نظام موجود برای یهودیان مطلوب بود. رهایی قانونی آن‌ها از گتوهای قرون وسطایی، از اواخر قرن هجدهم تا اواخر قرن نوزدهم، نویدبخش

به رسمیت شناختن شهروندی یهودیان بود که آنان را از محافظت‌های برابر تضمین‌شده قانونی بهره‌مند می‌کرد. نامعقول نبود که یهودیان انتظار داشته باشند که قانون، اگر نه در برابر حکومت؛ بل در برابر دیگر آلمانی‌ها، از آن‌ها محافظت کند.

برعکس، امریکایی‌های سیاه‌پوست گزینه‌یی جز اتکا به دیگر سیاه‌پوستان امریکایی نداشتند. برخی حتی به شکل متقاعدکننده‌یی استدلال می‌کنند که چنین کاری عاقلانه‌تر است؛ زیرا اتکا به کمک دیگران سیاه‌پوستان را در چنگ همسایگان دمدمی مزاج‌شان گرفتار می‌کرد، سیاستی که در نهایت به ضرر یهودیان تمام شد.

با نگاهی به گذشته می‌توان گفت که یهودیان از سادگی خود پشیمان شدند. یهودیان انتظار نداشتند که هم‌وطنان‌شان آن‌ها را تنها بگذارند، و همین امر به آن‌ها آسیب رساند.

به نظر ولادیمیر یانکلوویچ، از بازماندگان هولوکاست، به حال خود رها شدن «یکی از هولناک‌ترین جنبه‌های عذاب آنان» بود.

گفتمان مجرم‌شمردن ناظران در دهه ۱۹۶۰ فراگیرتر شد. از بی‌اعتنایی ناظران به شدت انتقاد می‌شد. تماشاچیان برای انفعال‌شان دلایلی ارایه می‌کردند تا خود را تبریه کنند، اما قربانیان چنین دلایلی را نمی‌پذیرفتند؛ به نظر آن‌ها ناظران صددرصد شریک جرم بودند.

کینگ در زندانی در بیرمنگام، چنین نوشت: «باید بر این نسل افسوس خورد، نه‌تنها به خاطر گفتار و کردار زشت آدم‌های بد؛ بل به خاطر سکوت هولناک آدم‌های خوب.»

در دهه ۱۹۶۰، بازماندگان هولوکاست شروع به انتشار روایت‌های خود برای مخاطبی کردند که عمدتاً بی‌اعتنا بود: یانکلوویچ در سال ۱۹۶۷، ویزنتال در سال ۱۹۶۹، و ژان آمری، یکی از فکوت‌ترین زندگی‌نامه‌نویسان، در سال ۱۹۶۶. بعدها امری با طنزی تلخ نوشت: «انتظار کمک داشتن و کمک را قطعی پنداشتن یکی از تجربه‌های بنیادین بشر است....»

آرتور مورس، روزنامه‌نگار امریکایی، در تحقیق خود وقتی شش میلیون جان باختند: گاه‌شمار بی‌اعتنایی امریکایی بر شریک جرم بودن ناظران صحنه گذاشت: «باید بفهمیم که هولوکاست چطور در گذشته اتفاق افتاد؛ نه‌تنها با توجه به قاتلان و مقتولان؛ بل با توجه به ناظران.» در پرتو خاطره هولوکاست، تماشاچیان به شریک جرم تبدیل شدند؛ زیرا در انجام وظیفه به شکلی مهلک قصور کرده بودند.

مثال جنووزه حاکی از تأثیر خاطره هولوکاست بر مجرم‌شمردن ناظران است. تبدیل این قتل به داستانی درباره تماشاچیان بی‌اعتنا ایده ای ام روزنتال، دبیر بخش اخبار کلان‌شهر نیویارک در نیویارک تایمز بود. نویسندگان مقالات یک‌صدا به انتقاد از تماشاچیان پرداختند، دل‌مشغولی‌یی که بیش از یک‌سال بر خود این قتل سایه انداخت.

همان‌طور که در کتابام روایت‌های موقت بازماندگان انهدام دوران نازی: دومین رهایی (۲۰۱۸) گفته‌ام، ما باید در تبیین انفعال تماشاچیان به نظرات قربانیان هم توجه کنیم. قربانیان توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کنند که ناظران در اقدامی سرنوشت‌ساز آن‌ها را به حال خود رها کردند؛ اما علاوه بر این، از همسایگانی سخن می‌گویند که زمانی روی آن‌ها حساب کرده بودند و مهم اینکه، هنوز هم چشم به راه‌شان هستند. عجیب آنکه این علاقه در مورد خود ناظران هم صدق می‌کند. برای مثال، نامه‌هایی را در نظر بگیرید که ماه قبل پس از انتشار خبر درگذشت سوفیا فارار در نیویارک تایمز چاپ شد.

فارار یکی از ساکنان کوئینز بود که در آن صبح زودهنگام سال ۱۹۶۴ صدای فریادهای جنووزه را شنید و به یاری او شتافت. جیمز سولومون، کارگردان مستند شاهد (۲۰۱۵) که به این واقعه می‌پردازد، گفت: «اقدام حماسی سوفیا فارار نشان می‌دهد که داستان بی‌اعتنایی شهرنشینان پیچیده‌تر از آن است که بتوان روایت بیش از حد ساده‌شده‌یی از آن ارایه کرد.»

در زمانه‌یی که به راحتی از جامعه مدنی کناره می‌گیریم و به دژهای قبیله‌یی خود پناه می‌بریم، به نظرم مجرم‌شمردن بی‌درنگ تماشاچیان ناشی از احساس عمیق‌تری است؛ میلی شدید، اگر چه دلهره‌آور به کمک به نیازمندان، میلی که اگر به خاطر احتیاط مبتنی بر پرهیز از خطر نبود، بر انفعال غلبه می‌کرد. از هرچه بگذریم، این میل «یکی از تجربه‌های بنیادین بشر است.»